

افزایش تخریب، سرقت و آسیب‌های جدی به آثار و محوطه‌های تاریخی و فرهنگی ایران در فروردین و اردیبهشت امسال

نشش زخم عمیق بر پیکر میراث ایران

آسیب به مسجد عتیق، حفاری در بهشت زهرا، تعطیلی موزه قرآن، سرقت از ماهان و تهدید تخت جمشید

تنها چند مورد از تخریب‌های میراث فرهنگی کشور در دوماه گذشته است **صفحه ۶**

کن، صحنه تازه‌ای از حضور فناوری در سینما

جدال میان فرم
محتوا و فرش قرمز

- عصر الگوریتم‌ها هشدار جدی برای دنیای شبیه‌سازی شده نه واقعی به شمار می‌رود
- دو فیلم ایرانی «زن و بچه» و «یک تصادف ساده» نگاه‌ها را به سینمای اجتماعی و مستقل ایران جلب کردند **صفحه ۴**

موی تراشیده
ممنوعه سینما

فیلم «قاتل و وحشی» با وجود تحسین منتقدان به دلیل ظاهر متفاوت بازیگر زن، مجوز نمایش عمومی نگرفت **صفحه ۴**

هفت بازی طنز که با شوخی‌های بامزه تجربه‌ای متفاوت خلق کرده‌اند

بخند و همزمان بازی کن

لویپاهایی که از خنده به زمین می‌خورند، گوسفندهایی که فرقه دارند، بازیکنی که با طنز می‌جنگد و اسلحه‌هایی که جوک می‌گویند **صفحه ۸**

پیشنهاد

چشم‌های شما، گوش‌های ما

گزارشگر شهر و محله خود باشید

گاهی یک درخت چند ده ساله قطع می‌شود، بی‌آن که صدای تیرش به جایی برسد. گاهی خیابانی آسفالت می‌شود، اما فقط تا نیمی از کوچه ادامه دارد. دیواری بالا می‌رود که نباید می‌رفت، فاضلابی رها می‌شود که نباید می‌شد و سطل زباله‌ای درست در جای پارک جلوی خانه شما جا خوش می‌کند. نخاله‌های ساختمانی شبانه در بستر یک رودخانه تخلیه می‌شوند. در دل جنگل، ساختمان بالا می‌رود. اینها اتفاقات کوچکی نیستند. بخشی از همان زندگی روزمره‌اند که هر روز با آن سرو و کار داریم. شاید وقت آن رسیده که دیگر فقط سر نکنیم، بلکه گزارش کنیم.

ما در تحریریه تصمیم گرفته‌ایم یک گام به شما نزدیک‌تر شویم. نه به عنوان خبرنگاری که طبق وظیفه فقط خودمان به مسائل نگاه می‌کنیم، بلکه در کنار شما و همقدم با شما. چون باور داریم چشم‌های شما دقیق‌تر از هر دوربین نظارتی است. شما هر روز در محله‌تان قدم می‌زنید، از همان پیاده‌روی عبور می‌کنید که امروز در آن سنگفرش‌ها ق شده‌اند، از کنار همان زمین‌مترو که‌ای رد می‌شوید که شب‌ها تبدیل به پاتوق آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌شود و از کنار درختان کهنسالی می‌گذرید که حالا روی آن‌ها علامت ضربدر خورده. دعوت ما ساده است اما اثرگذار، اگر تخلف، کم‌کاری، تخریب، آلودگی یا مشکلی در محل زندگی یا کارتان دیده‌اید، آن را با ما در میان بگذارید. فقط کافی است با موبایل‌تان یک عکس و فیلم بگیرید، مکان تقریبی را بنویسید و چند خط کوتاه درباره آن مسئله توضیح بدهید و برایمان بفرستید. از کوچهای تاریک که ماه‌هاست چراغ‌هایش خراب است، تپه‌ای که شبانه تبدیل به خانه‌های غیرقانونی شده؛ همه این‌ها قابلیت دارند که به سؤزه یک گزارش جدی تبدیل شوند. ما این گزارش‌ها را بررسی، پیگیری و منتشر می‌کنیم. اگر لازم باشد، به گوش مسئول مربوطه هم می‌رسانیم.

یادآوری کنیم که هدف ما آگاهی، شفافیت و حل مسئله است. روزنامه‌نگاری گاه از یک ترک ساده در دیوار یک مدرسه شروع می‌شود که ممکن است فردا به فاجعه‌ای ختم شود.

ما بخشی از جامعه‌ایم که می‌نویسد، اما شما همان جامعه‌ای هستید که می‌بیند، لمس می‌کند و تجربه دارد. پس بیایید این بار ما با هم باشیم. شما ببینید، ما بنویسیم. شما ثبت کنید، ما پیگیری می‌کنیم. برای شروع کافی است فیلم، عکس یا گزارش کوتاه خود را به ایمیل ysobhnews@gmail.com یا تلگرام ۰۱۷۰۲۰۰۹۲۰۲۰۰ ما بفرستید. از همین امروز شما خبرنگار ما باشید. در کوچه‌تان، در محله‌تان، در شهری که دوستش داریم اما گاهی به آن بی‌توجه‌ایم.



گزارش هفت صبح از محله‌ای در مشهد که در قرق افغانستانی‌ها، پاکستانی‌ها و بلوچستانی‌هاست

از قلب کابل و کراچی به کوچه‌های تاجرآباد **صفحه ۹**



نقد

نگاهی به سریال این شب‌های شبکه سه

یزدان ناموفق
در جذب مخاطبان

«یزدان» است. دره فرزند، بوستان مادر و کودک، بازارچه میوه و تره‌بار، بهشت زهرا و ... بخشی از لوکیشن‌های سریال منوچهر هادی هستند. خود او هم در این سریال هوس کرده که جلوی دوربین برود اما به‌نظر می‌رسد تجربه موفقی نبوده است. هادی در کارگردانی هم موفق عمل نکرده؛ میزانش‌ها بعضاً آشتیابه و دکوپاژ ضعیف است. اما به‌نظر می‌رسد آنچه بیش از سایر عوامل به سریال ضربه زده، فیلمنامه است. شاید بزرگترین ضعف آن اپیزودیک (تک‌قسمتی) بودنش است که نمی‌تواند مخاطب را جذب کند؛ هرچند خط سیر و پیرنگ داستانی مشخصی دارد. این شتاب در نگارش فیلمنامه در مصاحبه اخیر فاطیما بهار مست هم عیان است: «ابتدا استرس زیادی داشتم، چراکه بدون خواندن فیلمنامه قرارداد بسته بودم. اما بعد از نگارش نهایی، متوجه شدم که شخصیت‌ها تمنا بخوبی شکل گرفته‌اند».

باید امیدوار بود که شهرداری تهران برای این سریال هزینه نامعقولی نکرده باشد و برای مرتبه بعدی که هوس کرد سریال رپرتاژی بسازد، با تأمل بیشتری وارد این فضا شود. این چند نکته را هم در نظر بگیرید: از بزرگنمایی و کلیشه‌ها فاصله بگیرد و شخصیت‌پردازی عمیق‌تری ارائه دهد؛ باز بابت واقعیت‌های اجتماعی را صادقانه‌تر و دقیق‌تر به تصویر بکشد؛ زمان بیشتری به پیش‌تولید و تولید سریال اختصاص دهد.

تهران دست‌وپنجه نرم می‌کند. او که در واقعیت ۵۱ سال و چهره‌ای میانسال دارد، در این سریال دارای نوه است! «یزدان» که تهیه‌شده در مرکز ارتباطات شهرداری تهران به سفارش مرکز سیمافیلم است، طبیعتاً قرار است تبلیغ غیرمستقیم فعالیت‌های شهرداری تهران باشد. این رپرتاژ آگهی گاهی چنان گل‌درشت و بی‌رمق از آب درآمده که به ضد خودش بدل شده است. به عنوان نمونه، در قسمت سیزدهم یکی از خرده‌پیرنگ‌ها به اکران پوشش «کتابخانه شهر» روی عرشه پل‌ها و سازه‌های تبلیغات شهری اختصاص داشت که در هفته کتاب ۱۴۰۲ انجام گرفت. اما انتخاب سیاوش مفیدی در نقش نصاب متعدد بنر - که او را با نقش‌های طنز به خاطر داریم - و داستانی که سرم‌شده بود، آنقدر تصنعی از آب در آمد که مخاطب را پس می‌زد. اما برخی نیز با نگاهی منتقدانه نوشتند: «مگه مأمور سد معبر واقعاً این‌قدر مؤدب و شیک‌پوشه؟» در واقع این شکلی روایت نمی‌شه!» یا «این همه خرج برای چی؟ کاش روی داستان کار می‌کردند.» این نظرات نشان می‌دهد جذابیت تصویری کافی نیست؛ داستان باید باورپذیر هم باشد.

منوچهر هادی، ضعیف در بازگیری و کارگردانی

بانک شهر وابسته به شهرداری تهران، حامی مالی سریال

محمد کلهر

روزنامه‌نگار

وقتی سریال «یزدان» از نیمه اردیبهشت روی آنتن شبکه سه رفت، کسی پیش‌بینی نمی‌کرد در کمتر از یک هفته، موج تبلیغات پرهزینه آن -از اکران در تبلیغات شهری تا افتتاحیه در برج میلاد و کمپین تبلیغاتی در فضای مجازی- فروکش کند و به یک سریال کاملاً معمولی و حتی ضعیف بدل شود. اما حالا که بیش از نیمی از این مجموعه تلویزیونی ۲۳ قسمتی و اپیزودیک گذشته است، دقیق‌تر می‌توان درباره آن قضاوت کرد. سریالی که مجموعاً حدود ۲ میلیون بازدید در تلویویون داشته است و در کمال تعجب، رضایت ۹۴ درصدی به همراه داشته! این در حالی است که سریال محبوب پایتخت با رضایت ۹۵ درصدی مخاطبان و «نون خ» با رضایت ۹۰ درصدی مخاطبان در تلویویون همراه است! جدیدترین ساخته منوچهر هادی با نقش آفرینی بازیگران نام‌آشنایی همچون پژمان باغی، لعیا زنگنه، مریم مؤمن، فاطیما بهار مست و دارا حیایی، نه‌تنها مخاطبان تلویویون را راضی نکرد، بلکه برخی از این انتخاب‌ها به پاشنه آشیل سریال بدل شد. به عنوان نمونه، پژمان باغی در نقش «عماد عرفانی» مأمور شهرداری را روایت می‌کند که با مسائل پنهان شهر

گزارش

قنات‌هایی که جهان را ساختند

دانش آب ایرانیان، کلید توسعه امپراتوری هخامنشی

در دل سرزمین خشک و نیمه‌گویی ایران، جایی که آب مایع حیات بود و کمتر کسی می‌توانست آن را به سادگی بیابد، مردمانی زندگی می‌کردند که نگرستن به زمین برایشان فقط به معنای کشاورزی نبود. بلکه یک هنر، دانش و حتی نوعی اعتقاد دینی بود. ایرانیان باستان، کسانی که بیش از ۲۵۰۰ سال پیش در دوره هخامنشیان و ساسانیان می‌زیستند، توانستند با

بهره‌گیری از مهندسی شگفت‌انگیز قنات‌ها، نه تنها زمین‌های خشک و بایر را سبز کنند، بلکه امپراتوری بزرگ خود را بر پایه همین مهارت‌ها بنا نهند. محمد برشان، یکی از کارشناسان برجسته قنات و دانش‌آموخته تاریخ آب در ایران، این‌راز را این‌گونه بازگو می‌کند: «امپراتوری هخامنشی و شکوه ساسانی مدیون همین دانش آبشناسی بود. ایرانیان آن زمان می‌دانستند که



گلابه‌های وحید اسداللهی از بی‌توجهی به جایگاه موسیقی آذربایجانی که بخشی از هویت ملی ایران است

موسیقی اقوام در حاشیه

صفحه ۵

اعترافات تکان‌دهنده سارقان حرفه‌ای در محوطه پلیس آگاهی تهران

باند کت وشلواری‌های شیک پوش

- پلیس تهران یک باند بزرگ سرقت موتورسیکلت را با بیش از ۲۰۰ موتور سرقتی شناسایی و دستگیر کرد
- موتورسیکلت‌های سرقتی پس از شماره‌گذاری جلی به کشورهای همسایه منتقل و در بازار آنجا فروخته می‌شد **صفحه ۷**

جنگ حقوقی در پردیس بلاگرفت

قصه ناتمام خانه‌های رویایی مردم

- شرکت عمران پردیس از پیمانکار پروژه فاز ۱۱ مسکن مهر به دلیل تأخیر طولانی و ناتمام ماندن ۲۲۰۰ واحد شکایت کرد
- پیمانکار فاز ۱۱ از سال ۱۳۹۱ پروژه را آغاز کرد اما تعهدات خود را به موقع انجام نداد **صفحه ۳**



روایت بی‌برده مجید جلالی از واقعیت‌های فوتبال ایران

فقط علی دایی را انتخاب می‌کنم

- فوتبال ایران گرفتار خرافات و فساد است و رسانه‌های زرد تنها به نفرت پراکنی می‌پردازند **صفحه ۱۱**

تابستان زودرس، نبرد نفسگیر کولرها و قبض‌های داغ برق

گرمای زودرس، بازار کولر وچیلر را به آتش کشید

- نبرد برندها و انواع کولر آبی، گازی و چیلر صنعتی در ایران تأثیر گرمای زودرس، مصرف برق و قیمت‌ها بر بازار
- مصرف برق امسال به دلیل استفاده گسترده از کولرهای گازی به طور چشمگیری افزایش یافته است **صفحه ۳**

جیوتیان، مادر پهپادها

هواپیمای بدون سرنشین چینی، با توانایی رها کردن ۱۰۰ پهپاد در آسمان، انقلابی در جنگ‌های مدرن رقم می‌زند

صفحه ۱۰

حذف یارانه‌ها، تعلیق لایحه حمایت از خشونت علیه زنان و اصلاح مهر به بدون نظر افکار عمومی

تصمیم‌گیری برای زنان بدون زنان

- نبود گفت‌وگوی ملی و مشارکت عمومی، مانع از شکل‌گیری راهکارهای موثر برای حل مسائل کشور می‌شود **صفحه ۲**

ابهامی به ارزش چند میلیارد دلار، نیکل‌هایی که اطلاعات دقیقی در موردشان نداریم

پشت پرده بدهی جنجالی بابک زنجانی

- بانک مرکزی می‌گوید نیکل‌ها در خزانه هستند اما آلیاز آنها مبهم است **صفحه ۳**





گره گشایی از بن بست های سیاست خارجی

در فضای پر تحول سیاست بین الملل، هر از گاهی یک «محور» تازه متولد می شود که می تواند قواعد بازی را برای سال ها تغییر دهد. امروز، بیش از هر زمان دیگری، نشانه هایی از شکل گیری یک اتحاد استراتژیک میان ایران، روسیه و چین به چشم می خورد؛ اتحادی که بعضی تحلیل گران از آن با عنوان «محور شرق» در برابر غرب یاد می کنند.

مذاکرات هسته ای و سایه تردید

این روز ها سر نوشت مذاکرات هسته ای ایران و غرب، در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. با تداوم اختلاف ها بر سر مسائل کلیدی مانند چگونگی رفع تحریم ها، شفافیت برنامه هسته ای و ضمانت های اجرایی، احتمال رسیدن به توافقی تازه کاهش یافته است. تجربه خروج دولت ترامپ از برجام و بی اعتمادی ناشی از آن، باعث شده تهران دیگر حاضر نباشد بدون ضمانت های قوی وارد توافقی تازه شود. همزمان، موضع گیری های تند بر برخی کشورهای اروپایی و آمریکا درباره پرونده هسته ای ایران و حتی تهدید به فعال سازی مکانیسم ماشه، بر پیچیدگی فضا افزوده است. در چنین شرایطی، نگاه راهبردی تهران بیش از هر زمان دیگری به سوی شرق دوخته شده است. این گرایش صرفاً واکنشی مقطعی به فشار های غربی نیست، بلکه بر پایه یک تحلیل کلان از تحولات نظم نوین جهانی بنا شده است.

نظم جهانی جدید؛ چاه جایی کانون قدرت

در یک دهه اخیر، تغییر توازن قدرت جهانی به وضوح به چشم می خورد. آمریکا، اگر چه همچنان یکی از قدرت های اصلی نظام بین الملل است، اما دیگر تنها ابر قدرت بی رقیب به حساب نمی آید. چین، با رشد اقتصادی شگفت انگیز و نفوذ فناوری و اقتصادی خود، به رقیب جدی و اشنگتن تبدیل شده و بازیگری تعیین کننده در ساختار های منطقه ای و بین المللی شده است. روسیه نیز با حضور فعال در بحران های مهم از اوکراین تا سوریه، نقش خود را به عنوان یک قدرت موثر و بازدارنده تثبیت کرده است. در این میان، ایران هم به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه ای، همواره به دنبال راه هایی برای افزایش عمق استراتژیک و متنوع سازی گزین ه های سیاست خارجی خود بوده است. تلاقی منافع و اشتراکات ژئوپلیتیک میان تهران، مسکو و پکن، حالا بیش از هر زمان دیگری ملموس شده است.

همکاری های سه جانبه؛ از اقتصاد تا امنیت

همکاری های ایران با روسیه و چین، سابقه ای چند دهه ای دارد، اما طی سال های اخیر، این روابط از سطح همکاری های سنتی فراتر رفته و ابعاد جدیدتری پیدا کرده است. امضای سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، تقویت همکاری های نظامی و فناوریانه با روسیه و مشارکت سه کشور در سازمان های منطقه ای مانند شانگهای، تنها بخشی از این روند است. در عرصه اقتصادی، ایران و چین در حوزه هایی چون انرژی، حمل و نقل و زیر ساخت به پروژه های مشترک بزرگی دست زده اند؛ پروژه هایی که ظرفیت بالایی برای عبور از تحریم های غرب و تقویت اقتصاد ملی دارند. از سوی دیگر، روسیه نیز در حوزه های امنیتی، دفاعی و هسته ای، به یک شریک راهبردی برای ایران تبدیل شده است.

منافع مشترک؛ خطوط قرمز و فرصت ها

اما واقعیت این است که اتحاد ایران، روسیه و چین نه یک ائتلاف کلاسیک مانند ناتو است و نه صرفاً مبتنی بر « دشمنی مشترک ». با غرب، این سه کشور، هر یک خطوط قرمز و منافع ملی ویژه خود را دارند و همکاری شان، محصول همپوشانی منافع در نقاط حساس است. برای ایران، همکاری با شرق فرصتی است برای بی اثر کردن تحریم ها، توسعه اقتصاد و دسترسی به فناوری های نوین. برای روسیه، ایران یک شریک کلیدی در جنوب و مسیر مسیری مهم برای عبور از فشار های غرب است. چین نیز ایران را حلقه ای استراتژیک در مسیر پروژه های بزرگ جاده ابریشم و امنیت انرژی خود می بیند. در همین حال، غرب هم با دقت روند نزدیکی این سه کشور را زیر نظر دارد و با ابزار های دیپلماتیک، اقتصادی و رسانه ای تلاش می کند تا مانع تعمیق این همکاری شود. اما به نظر می رسد واقعیت های میدان و نیاز های متقابل، هر روز این کشور ها را یکدیگر نزدیک تر می کند.

دست انداز

البته نباید از موانع و محدودیت ها غافل شد. روابط ایران با روسیه و چین اگر چه روبه گسترش است، اما همواره تحت تأثیر برخی بی اعتمادی های تاریخی و ملاحظات راهبردی قرار دارد. مثلاً چین و روسیه روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با اروپا و آمریکا دارند و نمی خواهند همه تخم مرغ های خود را در سبد یک کشور بگذارند. همچنین، ایران به عنوان یک کشور مستقل و با پیشینه تاریخی خاص، همواره مراقب است منافع ملی اش قربانی رقابت قدرت های بزرگ نشود.

نگاهی به فردا

تحولات اخیر عرصه بین الملل و بن بست احتمالی در مذاکرات هسته ای، ایران را بیش از پیش به سمت تعمیق همکاری با روسیه و چین سوق داده است. محور شرق حالا دیگر یک انتخاب نیست، یک ضرورت استراتژیک برای تهران محسوب می شود. همزمان، افزایش حجم تعاملات اقتصادی، نظامی و فناوریانه سه کشور، می تواند فضای تازه ای برای رشد و ثبات منطقه ای فراهم کند. هر چند این همکاری ها جایگزین همه تعاملات با غرب نخواهد شد، اما به عنوان یک اهرم راهبردی، می تواند ایران را در مسیر تثبیت جایگاه خود در نظم جدید جهانی یاری کند.

حذف بارانه ها، تعلیق لایحه حمایت از خشونت علیه زنان و اصلاح مهریه بدون نظر افکار عمومی

تصمیم گیری برای زنان بدون زنان

نبود گفت و گوی ملی و مشارکت عمومی

مانع از شکل گیری راهکار های موثر برای حل مسائل کشور می شود



الیه کاکایی

هفت صبح

در ماه ها و سال های اخیر، سیاست های تأثیر گذار کلانی در ایران تصویب و اجرا شده یا در حال اجراست. از تصمیم بر حذف گسترده بارانه های دولتی تا پلاتکلیفی فیلتر بنگ، از اصلاحات قانون مهریه تا سر نوشت نامشخص لایحه منع خشونت علیه زنان. بسیاری از این تصمیم ها به رغم پیامدهای عمیق اجتماعی، در عمل «پشت در های بسته» گرفته شده اند؛ بدون آنکه مردم بدانند معیار های تصمیم سازان چیست و چگونه می توانند در تصمیم گیری ها مشارکت کنند. شهر وندان ایرانی می بینند وزارتخانه ها، مجلس و نهادهای امنیتی، هر یک در این باره موضعی می گیرند و یکدیگر را مقصر یا ناظر می خوانند. در چنین فضایی، نه «نظر سنجی ملی» و نه نشست های گفت و گو با احزاب و تشکل های مدنی بر گزار نمی شود. نتیجه این روند، آن است که اغلب مصوبات سنگین و متحول کننده بدون اطلاع رسانی شفاف برای عموم اجرا می شوند. این وضعیت «پاسخگویی پنهان» به معضلی مبدل شده که می تواند به تشدید دلزدگی و کاهش اعتماد عمومی بینجامد.

تبیین و نقد شفافیت در تصمیم سازی های ملی

هر گاه تصمیم بزرگی اتخاذ می شود، پرسش ساده اما اساسی این است: «چگونه؟» در یک حکومت پاسخگو، پیش از هر تصمیم مهم از عموم نظر خواهی می شود، پژوهش و تحلیل صورت می گیرد و پیش نویس ها برای نقد و نظر کارشناسی به گردن یکدیگر می فرار می گیرد. اما در ایران امروزی، این روند ها کمتر مورد توجه است. مسئولان معمولاً از پشت پرده تصمیم ها سخن می گویند و پس از تصویب هم عمدتاً گزارشی به شکلی متمرکز ارائه می شود.

سیاستمداران و کارشناسان رسمی، کمبود شفافیت را به گردن یکدیگر می اندازند. نمونه بارز این پاسکاری را وزیر ارتباطات بارها نشان داده است. ستار هاشمی وزیر ارتباطات گویا تلاش هایش برای رفع کامل فیلتر بنگ به رغم وعده های دولت کافی نبوده و در تازه ترین اظهاراتش در برنامه ۱۰۰۱ که از شبکه نسیم پخش می شود، درباره زمان رفع فیلتر بنگ ها، بر شکل گیری فضای همکاری دستگاه ها تأکید کرد و گفت: «فیلتر بنگ هم موضوعی چندوجهی است و به صورت کلی فضای مجازی پیچیده است و فقط وزارت ارتباطات در این زمینه نقش ایفا نمی کند و باید سازمان های دیگر هم پای کار بایند». همین اظهار نظر رسمی، به طور ضمنی تأیید می کند که وزارت ارتباطات



آنسوی نظر سنجی

نظر سنجی مرکز افکار سنجی «شناخت» که در بهمن ۱۴۰۳ منتشر شد، عدد شاخص «اعتماد مردم به دولت» را تنها ۴.۱۳ از ۱۰ گزارش کرده است. این رقم نشان دهنده اوضاع نه چندان مساعد اعتماد عمومی است. وضعیتی که می توان بخشی از آن را ناشی از رویه عدم پاسخگویی و دخالت ندادن مردم در امور دانست. وقتی مردم شاهد این باشند که تصمیم گیران درباره مسائل مهم زندگی شان (از اقتصاد خانواده تا آزادی های ارتباطی) بدون «گزارش شفاف» تصمیم می گیرند، طبیعتاً دل نگران می شوند که مبادا منافع گروهی خاص یا سلیقه های حاکم پشت این تحولات باشد.

اصلاح قانون مهریه؛ اختلاف صداها و پلاتکلیفی

عنوان نمونه، نظر سنجی مرکز افکار سنجی «شناخت» که در بهمن ۱۴۰۳ منتشر شد، عدد شاخص «اعتماد مردم به دولت» را تنها ۴.۱۳ از ۱۰ گزارش کرده است. این رقم نشان دهنده اوضاع نه چندان مساعد اعتماد عمومی است؛ وضعیتی که می توان بخشی از آن را ناشی از رویه عدم پاسخگویی و دخالت ندادن مردم در امور دانست. وقتی مردم شاهد این باشند که تصمیم گیران درباره مسائل مهم زندگی شان (از اقتصاد خانواده تا آزادی های ارتباطی) بدون «گزارش شفاف» تصمیم می گیرند، طبیعتاً دل نگران می شوند که مبادا منافع گروهی خاص یا سلیقه های حاکم پشت این تحولات باشد.

قانون مهریه نیز سال هاست عرصه کشمکش سیاست گذاران و جامعه مدنی است. در مجلس فلسفی طرح هایی برای تغییر این قانون مطرح شده که بازتابی از تصمیم سازی بدون مشورت عمومی است. برای نمونه، اخیراً طرحی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در دست بررسی بود که سقف اجرای بازداشت بابت مهریه را از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی به ۱۴ سکه کاهش می دهد. یک وکیل دادگستری تأکید کرد که ماهیتاً «زوجین می توانند هر تعداد سکه را

لایحه مقابله با خشونت علیه زنان؛ کشاکش قدرت ها

یکی از بر جسته ترین مصادیق کنونی، لایحه ای است که در آغاز «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» نامیده می شد و عمر آن نزدیک به ۱۴ سال دارد می رسد. این لایحه ابتدا در قوه قضاییه و دولت تدوین و با امضای رئیس قوه قضاییه و رئیس جمهور به مجلس ارائه شد. اما در مسیر بررسی در مجلس دوازدهم، کلیات لایحه به شکلی قابل توجه تغییر یافت. گزارش های رسمی حاکی است که مجلس موارد بسیار مهمی را از این لایحه حذف کرد و نگاه آن با هدف اولیه مغایرت یافت. زهرا بهروز آذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور، در واکنش تلویحی به همین تغییرات گفت: «متنی که توسط مجلس روی لایحه منع خشونت علیه زنان پیشنهاد شده بود، از نظر ماهوی تغییر کرده و درخواست استرداد لایحه را داده ایم». وی به خبرنگاران توضیح داد که مواد زیادی از لایحه دولت کم شده و جنبه پیشگیری در آن افتاده، بنابراین دولت تصمیم گرفت تا این لایحه را مسترد کند. نکته قابل توجه در اظهارات او نبود هیچ توضیح کامل و اقناع کننده ای نه برای جامعه عمومی نه رسانه ای است و آنچه بر مردم گذشت، مشاهده عدم هماهنگی و وجود دست انداز می موسس در متن قانونی بود؛ موضوعی که دقیقاً معلول تصمیم سازی پشت در ها بود. در اینجا نیز اصحاب مسئله (نمایندگان مجلس، دولت و تشکل های زنان) درباره متن لایحه هیچ رأی نئی عمومی نکردند و تنها پس از آنکه تغییرات ظاهری صورت گرفت، خبر در خواست بازگردانده شدن لایحه رسانه ای شد. در نتیجه، کار به کشمکش رسانه ای و سیاسی کشید و گروه های حقوقی و مدنی همچنان منتظرند ببینند این قانون اساسی در چه چار چوبی قرار است نهایی شود.



کتاب

بی سابقه ترین بی نظمی در دیپلماسی آمریکا

Aliakbar Velayati
@Drvelayati_ir

Follow

تناقض مکرر در گفته ها و عملکرد **ترامپ** و همکاری اش موجب سلب اعتماد و اعتبار نسبت به دولت آمریکا شده و این مسئله در تاریخ دیپلماسی جهان بی سابقه است و از بی سرو سامانی حکومت آمریکا حکایت دارد.

#مذاکرات هسته ای ایران

Translate post

پلن B ایران در مذاکرات هسته ای

در حالی که مذاکرات هسته ای تهران و واشنگتن به دلیل اختلافات بر سر خطوط قرمز همچنان در بن بست قرار دارد، خبرگزاری رویترز به نقل از سه منبع ایرانی گزارش داد: «ایران احتمالاً به عنوان پلن B، تقویت روابط با چین و روسیه را در دستور کار قرار می دهد». این منابع تأکید کرده اند: «ایران از تشدید تنش خودداری خواهد کرد و آماده دفاع از خود است». رویترز همچنین نوشت: تهران از انتقال اورانیوم غنی شده به خارج و مذاکره درباره برنامه موشکی خود خودداری می کند. در این میان، تروئیکای اروپایی هشدار داده اند که در صورت عدم توافق، امکان فعال سازی مکانیسم ماشه تا پیش از انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ وجود دارد. همه این ها در حالی است که اعتماد متقابل همچنان حلقه مفقوده مذاکرات باقی مانده است.

این حرف ها فرار رو به جلوست

روح الله که علی آبادی، نماینده مردم دورود و ازنا، در واکنش به اتهامات مصطفی میر سلیم مبنی بر دریافت رشوه برخی نمایندگان از وزیر برای جلوگیری از استیضاح، گفت: «عده ای دیوار کوتاه تر از مجلس پیدا نمی کنند و هر از گاهی چنین اتهاماتی را مطرح می کنند.» او با اشاره به سوابق اقتصادی میر سلیم تأکید کرد: «کسانی که خودشان غرق مسائل اقتصادی هستند، نباید به دیگران اتهام بزنند.» این نماینده مجلس با بیان اینکه چنین سخنانی هم توهین به دولت است و هم مجلس افزود: «اتهام زنی بی اساس علیه ارکان نظام قرار به جلوست و اگر قرار به تحقیق و تفحص باشد، بهتر است از خود این افراد آغاز شود.» به گفته علی آبادی، رئیس مجلس نیز وعده پیگیری و شکایت داده و نمایندگان خواهان برخورد جدی با این اتهام زنی ها هستند. او هشدار داد: «نباید تجربه شخصی را به کل مجمع تعمیم داد. این اتهامات خوراک رسانه های معاند و سبب کاهش سرمایه اجتماعی مجلس می شود.»

کنایه تند سخنگوی مجمع تشخیص به کوچک زاده: اصل ۱۱۰ را بخوانید!

سید محسن دهنوی
@SMDehnavi

Follow

با توجه به بیان برخی موارد درباره نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به لایحه پیوستن به کنوانسیون پالمو، در راستای تنویر افکار عمومی و اطلاع مردم عزیز کشورمان و نمایندگان محترم دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی یادآوری نکات زیر ضروری است:

Translate post

در ادامه جدال های حقوقی و سیاسی بر سر لایحه پالمو، سید محسن دهنوی سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در شبکه ایکس بالحنی صریح انتقادات مهدی کوچکزاده، نماینده سابق مجلس، را پاسخ داد. او با اشاره به روند بررسی لایحه پالمو از سال ۱۳۹۷ تا امروز، یادآور شد: «مصوبه مجلس با وجود تغییر نمایندگان، باطل نمی شود و اگر چنین بود، باید پس از هر دوره همه قوانین دوباره تصویب شوند.» سخنگو خطاب به کوچکزاده گفت: «به ایشان توصیه می کنم قبل از موضع گیری و نطق هیجانی، یک بار اصل ۱۱۰ قانون اساسی را به درستی بخواند.» این سخنان پس از آن مطرح شد که کوچکزاده در واکنش به تصویب مشروط لایحه پالمو در مجمع، مواضع تندى اتخاذ کرده بود. حالا مجمع تشخیص، با یادآوری فرایند قانونی تصویب این لایحه و تأکید بر مرجعیت اصل ۱۱۰، توپ را به زمین منتقدان بازگردانده است.

بی شفافیت

وقتی سیاست گذاران ارشد کشور بدون ارائه توضیح شفاف، به تصمیم های کلان دست می زنند، افکار عمومی ناگزیر به گزاره ای می رسد: «این تصمیم ها آن طوری که ما انتظار داشتیم و مستحق آنیم، نبوده و نیست.» وضعیتی همراه است با کاهش مشارکت و بی اعتمادی روزافزون

طرح در رسانه ها واکنش های متفاوتی داشت و حتی معاون رئیس جمهور در امور زنان انتقاد کرد که «کاهش مهریه به ۱۴ سکه راهکار تحکیم خانواده نیست.» اما پاسخی فقط در لایه های سطحی و مخالفتی بدون هیچ روایت کامل. در یک سوی این بحث، مقام های رسمی درباره اقتضائات قانونی صحبت می کنند و در سوی دیگر، گروهی از زنان و فعالان مدعی اند مهریه ابزاری دفاعی در شرایط بحرانی طلاق است، حتی زمزمه اجرای این طرح نیز گویا در جامعه زنان ایران باعث نگرانی های شدیدی شده، زیرا آنان مهریه را «ابزار دفاع در روزهای بی پناهی» می دانند. در اینجا نیز نکته مهم، فقدان شفافیت و گفت و گوی عمومی است: نه قبل از تهیه طرح و نه حین بررسی، بحث های فراگیر و رسمی میان نمایندگان، حقوق دانسان و نهادهای مدنی صورت نگرفت تا مردم و گروه های ذینفع بتوانند نقطه نظر خود را اعلام کنند. نتیجه هم این شد که طرح با مخالفت و نگرانی گسترده زنان همراه شده است، با این ابهام بزرگ که شاکله قانون مهریه چگونه و بر پایه کدام کارکرد اجتماعی باید تغییر کند.

آن سوی قانون

وقتی سیاست گذاران ارشد کشور بدون ارائه توضیح شفاف، به تصمیم های کلان دست می زنند، افکار عمومی ناگزیر به گزاره ای می رسد: «این تصمیم ها آن طوری که ما انتظار داشتیم و مستحق آنیم، نبوده و نیست.» اتمسفر حاصل از این وضعیت همراه است با کاهش مشارکت، بی اعتمادی روزافزون و گاه بازگشت به شایعه سازی و تحلیل های غیر رسمی برای پر کردن خلأ اطلاعات. تجربه نشان می دهد زمانی که مردم از جزئیات سیاست ها و مبانی آن ها مطلع باشند و بتوانند در فضای عمومی درباره آن بحث کنند، احتمال پذیرش کاهش می یابد و مشارکت اجتماعی تقویت می شود. برعکس، فقدان شفافیت و عدم گفت و گو اعتماد را تضعیف می کند؛ موضوعی که نتایج نظر سنجی ها هم تأیید می کند.

سیاست گذاری در ایران گرچه ساختار و مکانیزم مشخصی دارد، اما اگر قرار باشد در اجرا جدال قدرت ها و حاشیه های امنیتی اولویت یابد، مردم احساس می کنند بازی در سطحی دیگر جریان دارد. نقد اصلی این گزارش بر همین نکته است: به رغم ماهیت اصلاحات (از بارانه گرفته تا قانون مهریه) که ادعای می شود به نفع جامعه است، فرایند آنها در دایره محدودی صورت گرفته و در نهایت نگاه حاکمیتی به مردم چرخیده است. برای بازسازی اعتماد عمومی و رسیدن به سیاست های پایدار، ضروری است که دولت و مجلس در چارچوب های قانونی نظیر نظر سنجی های ملی، جلسات مشورتی با نخبگان و گفت و گوهای رسانه ای، بیشتر به خواست ها و اولویت های مردم بپردازند. بدون این تغییر رویه، شکاف بین رای تصمیم گیرندگان و مطالبه عمومی بر نخواهد شد و پیامدهای منفی بلندمدتی بر سرمایه اجتماعی و انسجام ملی خواهد داشت.

عراقی: هیچ وقت دیپلماسی را کنار نگذاشته ایم

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در حاشیه مراسم گرامیداشت اولین سالگرد شهید امیر عبداللّه یان درباره آینده مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا گفت: «هم اکنون در حال بررسی هستیم که در دور بعدی مذاکرات شرکت کنیم یا نه و هنوز تصمیم نهایی نگرفته ایم.» او تأکید کرد ایران هیچ گاه دیپلماسی را کنار نگذاشته و فلسفه حضورش در مذاکره، دفاع از حقوق مردم ایران در برابر زیاده خواهی هاست. عراقچی افزود: «موضع ما درباره غنی سازی کاملاً روشن است؛ این برنامه با توافق بای توافق ادامه می یابد. اگر طرف مقابل خواستار شفافیت بیشتر است، قابل مذاکره است اما آن ها باید تحریم ها را رفع کنند.» او با تمجید از سیاست همسایگی و روابط با کشورهای منطقه، تأکید کرد: «بسیاری از اختلافات ساخته و پرداخته عوامل خارجی است. سیاست ما، کاهش تنش و تقویت روابط با همسایگان بوده و تا اینجا هم موفق بوده ایم.» عراقچی بار دیگر تصریح کرد: «ما نه از حقوق خود کوتاه می آییم و نه اجازه دخالت در برنامه صلح آمیز هسته ای را می دهیم.»



تابستان زودرس، نبرد نفسگیر کولرها و قبض‌های داغ برق

گرمای زودرس بازار کولروچیلر را به آتش کشید

● نبرد برندها و انواع کولر آبی، گازی و چیلر صنعتی در ایران، تاثیر گرمای زودرس، مصرف برق و قیمت‌ها بر بازار

حمید رجبی
هفت صبح

امسال تابستان عجله داشته و بسیار زودتر از سال‌های قبل خودش را به مردم ایران نشان داده است چرا که تقریباً از روزهای ابتدایی بهار، شاهد گرمای بیشتر از حد معمول بوده‌ایم. همین افزایش گرما به دلیل استفاده زود هنگام از وسایل سرمایشی، باعث افزایش مصرف برق شده و البته بازار فروش این گونه وسایل را نیز بیش از پیش داغ کرده است.

می‌دهد و برای همه مناطق مناسب است، اما مصرف برق بالاتری دارد و هزینه خرید و نصب آن بیشتر است.

● **چیلر، فن کویل و کولرهای بر تابل**
در کنار کولرهای آبی و گازی و همچنین پنکه‌ها، چیلر و فن کویل و کولرهای بر تابل نیز از دیگر وسایل سرماساز مهم در سیستم‌های تهویه مطبوع هستند که برای سرمایش و گرمایش ساختمان‌ها به کار می‌روند. چیلرها به دو نوع تراکمی و جذبی تقسیم می‌شوند و معمولاً در ساختمان‌های بزرگ، بیمارستان‌ها، مراکز خرید و ادارات استفاده می‌شوند. فن کویل نیز دستگاهی است که وظیفه توزیع هوای سرد یا گرم را در محیط دارد. این دستگاه شامل یک کویل (لوله‌های پر پیچ‌وخم) و یک فن است که هوا را از روی کویل عبور داده و دمای آن را تنظیم می‌کند. کولرهای گازی بر تابل هم یک نوع دستگاه خنک‌کننده هستند که عموماً در مکان‌هایی که سیستم تهویه هوای مرکزی وجود ندارد یا نمی‌توان سیستم‌های تهویه مطبوع را نصب کرد، از آنها استفاده می‌شود. این دستگاه‌ها قابلیت حمل و نقل آسان دارند و معمولاً دارای یک لوله تخلیه برای خروج هوای گرم هستند.

● **مزایا و معایب**
در خصوص سه دستگاه خنک‌کننده که در بالا به آن اشاره شد، مزایا و معایب مختلفی وجود دارد که آنها را مرور می‌کنیم. از مزایای فن کویل اشغال فضای کم توسط این دستگاه است. فن کویل نیاز به کانال کشی ندارد و با سیستم لوله‌کشی هم کار می‌کند و استهلاک کمتری نسبت به سیستم کانال کشی دارد. مزیت دیگر آن این است که چون یک سر

آن به هوای بیرون وصل است، عمل تهویه به خوبی انجام می‌شود. از معایب این دستگاه ایجاد صدای زیاد است و سبب می‌شود افراد از صدای زیاد آن اذیت شوند؛ همچنین این سیستم احتیاج به مراقبت و تعویض فیلتر دارد. از جمله مزایای مهم چیلر هم بهره‌وری بالا و بهبود مصرف انرژی و برق در ساختمان‌های بزرگ و کارخانجات صنعتی است. همچنین کاهش میزان صدا و ارتعاشات در چیلر آن را به یک انتخاب جذاب تبدیل کرده است. البته چیلرها طول عمر نسبتاً کوتاه‌تری دارند و امکان سرقت قطعات آنها به دلیل قرار گرفتن در فضای باز زیاد است. و در نهایت در مورد مزایا و معایب کولرهای بر تابل هم باید گفت یکی از معایب آنها کارایی محدود است. به دلیل ابعاد کوچک و قابل حمل بودن، کولر گازی بر تابل نمی‌تواند مانند سیستم‌های خنک‌کننده ثابت فضا‌های بزرگ را به طور کامل خنک کند. بنابراین، در فضا‌های بزرگتر کارایی آن کمتر می‌شود و نمی‌تواند تاثیر مطلوبی روی دمای محیط داشته باشد. از سوی دیگر برخی از کولرهای گازی بر تابل مصرف انرژی بالایی دارند و این می‌تواند به افزایش هزینه‌های برق و استفاده از منابع انرژی منجر شود.

● **میزان مصرف چقدر است؟**
هر کدام از این سه دستگاه سرمایشی که پیش‌تر به شما معرفی کردیم میزان مصرف برق متفاوتی دارند. بنابراین در شرایط فعلی که ناتازای برق در کشور وجود دارد و همچنین هزینه مصرف برق نیز افزایش داشته، توجه به میزان مصرف آنها اهمیت دارد.

ابتدا از فن کویل آغاز می‌کنیم، در حالی که این دستگاه‌های سرماساز به خاطر توان خروجی بالای خود شناخته می‌شوند، مصرف برق آنها نیز می‌تواند قابل توجه باشد. البته در مقایسه با کولرهای گازی، مصرف برقی فن کویل‌ها در شرایط خاص می‌تواند مقرون به صرفه‌تر باشد. به عنوان مثال فن کویل یک طرفه به طور معمول ۴۶ وات برق مصرف می‌کند در حالی که کولر گازی ۱۲۰۰۰ بی‌تی‌یو و معمولاً ۵ آمپر برق مصرف می‌کند. برای تعیین میزان مصرف برق یک دستگاه فن کویل، باید ظرفیت

آن را بر کیلووات ساعت تقسیم کنیم. به عنوان مثال، فن کویل با ظرفیت ۴۵۰۰ وات به مدت یک ساعت، ۰.۴۵ کیلووات ساعت برق مصرف می‌کند بنابراین توان واحد فن کویل و مدت زمان استفاده از آن از عوامل اصلی تعیین‌کننده مصرف برق آن است. چیلرها نیز در دو نوع جذبی و تراکمی ساخته می‌شوند که به علت تفاوت‌هایی که دارند از یکدیگر متمایز می‌شوند. بیشتر خانه‌ها و اداره‌ها از چیلر تراکمی استفاده می‌کنند که این نوع با انرژی الکتریکی کار می‌کنند. میزان مصرف برق این نوع دستگاه با توجه به منطقه جغرافیایی و آب و هوای آن تعیین می‌شود. به عنوان مثال در مناطق سرد در فصل‌های گرم سال، این دستگاه حدوداً ۱۴ ساعت در طول شبانه روز کار می‌کند، در صورتی که در مناطق گرم ۲۴ ساعت کار می‌کند. میزان مصرف برق چیلر تراکمی به این صورت است که مقدار برق مصرفی کمپرسور به اضافه مقدار برق مصرفی کندانسور و به اضافه مقدار برق مصرفی پمپ آب و در نهایت با اضافه کردن مقدار برق مصرفی خنک‌کننده به‌دست می‌آید. به صورت کلی یک چیلر تراکمی با ظرفیت ۲۰ تن تبرید و ضریب عملکرد ۴.۵، حدود ۱۵۵ کیلو وات برق مصرف می‌کند.

و در نهایت در مورد میزان برقی مصرفی کولرهای بر تابل نیز باید گفت میزان مصرف برق کولرهای بر تابل بستگی به مدل، برند و نوع تکنولوژی آن دارد. به طور کلی، کولرهای بر تابل به طور متوسط بین ۵۰ تا ۲۰۰ وات برق مصرف می‌کنند. برای مثال، برخی از کولر گازی‌های بر تابل که با قدرت ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ BTU عرضه می‌شوند، حدوداً ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ وات برق مصرف می‌کنند. اما دستگاه‌های بزرگ‌تر با قدرت بالاتر، مصرف برق بیشتری دارند.

● **قیمت محصولات**
قیمت دستگاه‌های سرماساز در بازار به عوامل مختلفی بستگی دارد. برخی از این عوامل شامل، میزان توانایی دستگاه در تأمین سرمایش مورد نیاز، کمپرسورهای مختلف با تکنولوژی‌های متفاوت، دستگاه‌هایی با مصرف برق کمتر و بازدهی بالاتر، کیفیت و تعداد فن‌های کندانسور، نوع گاز مبردی که در دستگاه استفاده می‌شود، برندهای معتبر و دستگاه‌های با کیفیت بالاتر و در نهایت قیمت مواد اولیه، هزینه‌های حمل‌ونقل و شرایط اقتصادی نیز بر قیمت نهایی دستگاه تاثیر دارند.

نام دستگاه	مشخصات	قیمت (تومان)
فن کویل دیواری گرین	ایرباس مدل GWF۸۰۰P1	۲۸.۶۷۷.۰۰۰
فن کویل آذر نسیم	زمینی CFM ۲۰۰	۷.۹۳۵.۰۰۰
فن کویل کاستی یک طرفه گلبرهان	مدل GLKC-۶۰۰۰	۴۵.۰۰۰.۰۰۰
فن کویل زمینی کربود	پایه دار تهویه مدل SV-۳۰۰	۱۵.۴۰۰.۰۰۰
مینی چیلر ۳ تن	مدل اسکرال RF۴۰۷C	۲۵.۰۰۰.۰۰۰
مینی چیلر اینورتر ۵ دیا ۵ تن	مدل MGC-V1۸W	۳۸۰.۰۰۰.۰۰۰
مینی چیلر ۵ تن تبرید	گلکسی مدل GWAQ۰۱۸ACV	۲۸۶.۰۰۰.۰۰۰
مینی چیلر ۴ تن برای خانه و اداره	اسکرال فراسن مدل FT-MC-UP-۴	۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰
کولر گازی بر تابل ۲۴ هزار دور ثابت ایران رادیاتور	مدل A-ICA-۲۴CH- مصرف انرژی رده A	۴۰.۰۰۰.۰۰۰
کولر گازی ۲۴ هزار دور ثابت جالند گلد مدل	مدل PLATINUM GG-MS۲۴۰۰۰، میزان پرتاب باد ۲۵ متر، مصرف انرژی رده B	۴۳.۰۰۰.۰۰۰
کولر گازی ۱۲ هزار دور ثابت جنرال گلد	مدل PLATINUM GG-MS۱۲۰۰۰، میزان پرتاب باد ۸ متر، مصرف انرژی رده A	۲۵.۶۰۰.۰۰۰
کولر گازی ۹ هزار اینورتر هاسنسی	مدل HHI-۹TG، مصرف انرژی رده A	۲۲.۰۰۰.۰۰۰

مقتضیان وام ازدواج و فرزندآوری در نوبت

صف یک میلیونی، پشت درهای بسته تسهیلات

● **بار مالی طرح‌های جمعیتی روی دوش نظام بانکی افتاده بدون آن‌که فکری برای تأمین منابع شده باشد**

در ظاهر همه چیز آماده است. وام ۳۰۰ میلیونی برای ازدواج، ۱۳۰ میلیونی برای فرزندآوری، با وعده‌های پررنگ از سوی دولت و مجلس برای حمایت از جوانی جمعیت، اما وقتی پای پرداخت به میان می‌آید، همه نگاه‌ها به بانک‌ها دوخته می‌شود؛ آن‌هم بدون اینکه مشخص باشد این منابع دقیقاً از کجا باید تأمین شوند. در حالی که صف مقتضیان وام ازدواج و فرزندآوری از مرز یک میلیون نفر عبور کرده، دولت همچنان بدون ارائه برنامه تأمین منابع، از شبکه بانکی توقع دارد جور این سیاست حمایتی را به دوش بکشد. به گزارش تسنیم، برای صفر شدن صف‌ها به حدود ۳۶۰ همت اعتبار نیاز است، در حالی که مجموع اعتبار مصوب برای این تسهیلات در سال جاری تنها ۲۷۵ همت است. یعنی حتی اگر تمام این مبلغ بدون تأخیر و بدون رانت توزیع شود، باز هم نمی‌تواند جوابگوی کل صف ۱.۱ میلیونی مقتضیان باشد



اما تأمین مالی اش را به بانک‌ها واگذار کرده است.» این شیوه برخورد، نظام بانکی را با چالش نقدینگی مواجه می‌کند و موجب برهم خوردن تعادل پرداخت سایر تسهیلات خرد و تولیدی نیز می‌شود. اگر سیاست حمایت از جمعیت و جوانی جدی است، باید منابع آن نیز در بودجه مشخص و به‌موقع تخصیص یابد، نه اینکه بانک‌ها نقش خزانه دوم دولت را بازی کنند.



نگاه

ماجرای پرابهام و دنباله‌دار نیکل‌های
میلیارد دلاری بابک زنجانی
پشت پرده یک بدهی جنجالی



نام بابک زنجانی سال‌هاست با پرونده‌های مالی پر حاشیه گره خورده، اما این بار ماجرا به نیکل هایش بازمی‌گردد؛ نیکل‌هایی به ارزش حدود ۱.۷ میلیارد دلار که در صندوق بانک مرکزی نگهداری می‌شوند. محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی، اخیراً اعلام کرده که قرار است این نیکل‌ها به فروش برسند و بدهی زنجانی تسویه شود. اما هنوز سوال‌های بی‌پاسخ بسیاری باقی مانده است: آیا باز نیکل‌ها چه در جای است؟ ارزش آنها چقدر است؟ بازار نیکل در جهان چه وضعیتی دارد و ایران چقدر در آن سهم دارد؟ در این گزارش، سعی می‌کنیم این پرسش‌ها را به زبان ساده و همراه با داده‌های تازه پاسخ دهیم.

● **نیکل‌های بابک زنجانی؛ پول یا مشکل؟**

بر اساس اظهارات رئیس کل بانک مرکزی، نیکل‌ها در گمرک نیستند بلکه در صندوق بانک مرکزی نگهداری می‌شوند. بانک مرکزی می‌گوید خودش ارزش نیکل‌ها را تعیین نمی‌کند و زنجانی موظف است آنها را بفروشد و طلب دولت را بپردازد. این یعنی عملاً تمام ریسک این معامله با زنجانی است و بانک مرکزی در مورد اصالت و قیمت نیکل‌ها مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرد. از سوی دیگر، بحث‌هایی درباره پرداخت بدهی‌ها یا رمارز شخصی زنجانی مطرح شده که بانک مرکزی به شدت آن را رد کرده و اعلام کرده که هیچ رمارازی پذیرفته نخواهد شد. این ابهامات نشان می‌دهد تسویه بدهی هنوز در پیچ و خم پرونده‌های حقوقی و مالی گیر کرده است.

● **نیکل؛ فلز پرکاربردی که همه‌جا هست**

نیکل فلزی است که طیف وسیعی از صنایع را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بیش از ۶۵ درصد از نیکل تولیدی جهان در صنعت فولاد ضد زنگ استفاده می‌شود. این فولادها در ساختمان‌سازی، صنایع خودروسازی، تجهیزات پزشکی، لوازم خانگی و صنایع نفت و گاز کاربرد فراوان دارند. اما مهم‌ترین کاربرد نیکل در سال‌های اخیر، استفاده در باتری‌های لیتیم-یون خودروهای الکتریکی است. این باتری‌ها برای افزایش چگالی انرژی و دوام، به نسبت بالایی از نیکل نیاز دارند. به همین دلیل، بازار نیکل در سال‌های گذشته همگام با رونق خودروهای برقی به شدت رشد کرده است.

● **بازار نیکل در جهان؛ نوسان و فرصت**

بر اساس داده‌های موسسه S&P Global Commodity Insights، تولید جهانی نیکل در سال ۲۰۲۳ حدود ۲.۸ میلیون تن بوده که نسبت به سال ۲۰۱۹، حدود ۲۰ درصد افزایش داشته است. قیمت هر تن نیکل در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۳ هزار دلار بود، اما در سال ۲۰۲۳ به طور متوسط به ۱۸ هزار دلار رسید. نوسانات شدید قیمت نیکل ناشی از رشد تقاضا و همچنین محدودیت‌های عرضه بوده است. یکی از نکات کلیدی بازار نیکل در سال‌های اخیر، افزایش شدید تقاضای نیکل با کیفیت بالا است که به‌ویژه برای باتری‌های خودروهای برقی استفاده می‌شود.

● **تولیدکنندگان اصلی نیکل؛**

● **قهرمانان بازار**

اندونزی بزرگ‌ترین تولیدکننده نیکل جهان، در سال ۲۰۲۳ بیش از یک میلیون تن نیکل تولید کرد که بیش از ۳۵ درصد تولید جهانی است. سیاست‌های اندونزی در ممنوعیت صادرات نیکل خام باعث شد که صنایع فرآوری داخل این کشور رونق بگیرند و نیکل به شکل فرآوری شده صادر شود. فیلیپین با حدود ۴۰۰ هزار تن تولید، روسیه با ۲۵۰ هزار تن، کانادا و استرالیا هر کدام با حدود ۲۰۰ هزار تن، از دیگر تولیدکنندگان مهم هستند.

● **مصرف‌کنندگان نیکل؛ چین در خط مقدم**

چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نیکل در جهان است و بیش از ۵۰ درصد مصرف جهانی را به خود اختصاص داده است. صنایع فولاد ضد زنگ چین سهم قابل توجهی در این مصرف دارند، اما به‌ویژه با رشد سریع بازار خودروهای الکتریکی، تقاضا برای نیکل با کیفیت باتری به شدت افزایش یافته است. اروپا و آمریکا نیز از بازارهای رو به رشد نیکل برای فناوری‌های سبز و خودروهای برقی هستند.

● **رشد پرشتاب با چالش‌های زیست‌محیطی**

با توجه به افزایش سرعت گرایش جهان به خودروهای برقی و استفاده از انرژی‌های پاک، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، تقاضای نیکل به ۵ میلیون تن برسد که حدود دو برابر تولید فعلی است. این موضوع فشار زیادی بر تأمین منابع نیکل وارد می‌کند.

● **سهم ایران در بازار نیکل؛ وضعیت نامشخص**

ایران به عنوان کشوری با ذخایر معدنی قابل توجه، اما تا امروز سهم کوچکی از بازار نیکل جهان داشته است. نبود سرمایه‌گذاری مناسب، تحریم‌ها و مشکلات زیربنایی از جمله دلایل این وضعیت است.

● **سوال‌های با پاسخ**

پرونده نیکل‌های زنجانی هنوز به پایان نرسیده و سوال‌های زیادی درباره کیفیت، قیمت و نحوه فروش آنها وجود دارد. در همین حال، بازار جهانی نیکل به سرعت در حال تغییر است و ایران باید بتواند از فرصت‌های پیش‌رو برای افزایش تولید و صادرات این فلز بهره ببرد. رئیس کل بانک مرکزی باید با شفافیت کامل ماجرا را روشن کند و اطمینان دهد که فروش نیکل‌ها به نفع اقتصاد کشور است. اگر ایران بتواند در زنجیره تأمین جهانی نیکل جایگاه خوبی پیدا کند، می‌تواند به منبع درآمد مهمی دست یابد.

شعب بانک هم پنجشنبه‌ها تعطیل شد

از اول خرداد ۱۴۰۴، خبری که شاید خیلی‌ها منتظرش بودند، بالاخره به واقعیت پیوست. شعب بانک‌ها در روزهای پنجشنبه تعطیل شدند. این تصمیم بانک مرکزی که بعد از سال‌ها درخواست و پیگیری کارکنان شعب بانکی گرفته شده، گام بزرگی در جهت بهبود شرایط کاری آن‌ها محسوب می‌شود. اما این تعطیلی، به معنای توقف کامل خدمات بانکی نیست. شعب کشیک همچنان به ارائه خدمات ضروری ادامه می‌دهند و سامانه‌ها هم طبق اعلام بانک مرکزی، در روزهای پنجشنبه پذیرش دستور پرداخت بین مشتری را تا ساعت ۱۳:۳۰ انجام می‌دهد و تسویه‌ها نیز تا ساعت ۱۴ ادامه خواهد داشت. با این تغییر کارکنان بانک‌ها می‌توانند پنجشنبه‌ها را هم مثل جمعه‌ها استراحت کنند و مستتر این نیز باید بر نامه‌ریزی جدیدی برای تراکنش‌های بانکی خود داشته باشند. این خبر را باید یک پیروزی کوچک برای رفاه شاغلان در سیستم بانکی دانست؛ جایی که بالاخره زمان استراحت بیشتر برای آنها جدی گرفته شده است.



گفت‌وگوهای یک دقیقه‌ای

روایت اول:

واقعا دلم کتاب نمی‌خواهد



علیرضا یخشی‌استوار
هفت صبح

به چهره دختر می‌خورد که هفده یا هجده ساله باشد. تَت‌بَگ‌ریک مُدل کیف پارچه‌ای که به ساک هم شبیه است). سفید بی‌نقشی روی دوشش بود و لباس ساده‌ای بر تن داشت. در خیابان کریم‌خان با دوستش، روی نیمکتی کنار مجسمه حافظ نشسته بودند. روبه‌روی یک کتابفروشی بزرگ. هر دو مشغول کار با تلفن همراهشان. داخل نرم‌افزاری برای یکدیگر اطلاعاتی را ارسال می‌کردند و جدا از هم می‌دیدند. گاهی به آنچه برای هم می‌فرستادند لیخندی می‌زدند و گاهی بی‌اعتنا به پیام ارسال شده به واریس و جستجو میان پیام‌های خودشان مشغول بودند.

دختر بی‌آنکه سر از موبایلش بردارد و به دوستش نگاه کند، گفت: واقعا اگه برام کتاب هدیه بخره پرت می‌کنم توی صورتش. دوستش گفت: حتما برات کتاب می‌خرم. پولش به چیز دیگه‌ای نمیرسه. دختر گفت: دو تا آکسسوری (وسایل و لوازمی برای تزئین بدن، موبایل و سایر وسایل که معمولا از آن قیمت هستند). بخره خوشحال ترم می‌کنه. دوستش گفت: خوب خودت بهش بگو برات چی بخره. یا با هم برید خرید و هر چی می‌خوای بخر. دختر گفت: تو هم دیوونه‌ای. خیال می‌کنه برام کتاب بخره من بیشتر ذوق می‌کنم. دوستش گفت: خوب خودت بهش این فاز رو دادی که کتاب می‌خونی به اون چه؟ دختر گفت: تو هم طر‌ف‌دار اونی؟ دوستش گفت: با این وضع قیمت کتاب خیلی هم دلت بخواد که یکی بهت هدیه بده. دختر گفت: من حوصله خوندن ندارم. حالا مثلا بخونم که چی؟ دوستش دهنش را کج کرد و به نشان ندانستن سری تکان داد.

لحظه‌ای سکوت افتاد. دختر گفت: واقعا کتاب به چه دردی می‌خوره؟ دوستش گفت: نمی‌دونم ولی به حس توشه دیگه. دختر گفت: من که واقعا حس‌ی ازش نمی‌گیرم. دوستش گفت: من خودم با این که به کسی کتاب معرفی کنم و بگم بخون یا هر چی حال نمی‌کنم. به نظرم هر کسی کتاب دوست داشته باشه میره می‌خونه دیگه. دختر گفت: حس زور کی کتاب خوندن اذیتم می‌کنه. این که بخوام بگم منم کتاب می‌خونم. دوستش گفت: این که واقعا دیگه خیلی کار شت و مسخره‌ایه.

دختر باز چند لحظه‌ای سکوت کرد. سرش را پایین انداخت و با چشم بسته و با صدای بلند گفت: شت واقعا دلم نمی‌خواد برام کتاب بخره. هر دو لحظه‌ای به هم نگاه کردند و بدون این که کلمه‌ای رد و بدل کنند سر در گوشی‌های موبایلشان فرو بردند. دوستش بعد از چند لحظه سکوت کردن گفت: خوب چرا اینجا باهاتش قرار گذاشتی؟ دختر گفت: کجا قرار می‌داشتم؟ دوستش اندکی فکر کرد و گفت: چه می‌دونم شهرک غرب. «آبال» (یک مرکز خرید در شمال غرب تهران). دختر گفت: واقعا از اونجا هم خوشم نمیاد. همه‌شون شبیه همدیگه‌ان. فقط اسم‌هاشون با هم فرق می‌کنن. واقعا با هم فرقی می‌کنن؟ دوستش دستی به موهایش کشید و گفت: خودت واقعا می‌دونی چی می‌خواهی؟ دختر گفت: من که از نت نخواستم پیش‌سینه‌ای بدی. به چیزی گفتم. دوستش گفت: پاشو بریم به کافه‌ای چیزی بشینیم حوصله‌ام سر رفت. دختر گفت: یکم دیگه صبر کنی الان میاد.

باز هر دو لحظه‌ای در سکوت فرو رفتند. دوستش گوشی موبایلش را داخل جیبش گذاشت و گفت: پاشو بریم به چیزی بخر بعد بگو به جای کادو پولشو برات بزنه. دختر گفت: حالا خوبه بیاد و هیچی هم نخره. واقعا خفه‌اش می‌کنم. دوستش خندید و گفت: پس سریع بهش زنگ بزن و بگو. دختر کمی این پا و آن پا کرد و شمار‌ای گرفت. اما بلافاصله قطع کرد. به دوستش گفت: من بهش زنگ نمی‌زنم. کله‌اش خراب میشه. دوستش گفت: بی‌خیال شو. آه. پاشو بریم حوصله‌ام سر رفت. آدمی که من می‌شناسم اصلا اگه بیاد. واسه خودت این قدر داستان درست نکن تو مغزت. دختر گفت: واقعا احمقی. پاشو بریم. دوستش گفت: به چیزی میشه دیگه. من دلم مو کامی‌خواد. تولدته به موکا مهمونم نمی‌کنی؟

دختر بدون هیچ حرفی با عصبانیت از جایش بلند شد و به راه افتاد. دوستش هم با کمی مکث از جایش بلند شد به شوخی گفت: امیدوارم برات کتاب هدیه بخره. دختر باختم‌نگاهی به دوستش انداخت و بعد با هم زدند زیر خنده و به راه افتادند.

وضعیت نامشخص مجوز اکران
آخرین فیلم حمید نعمت‌الله از دیروز تا امروز

موی تراشیده ممنوعه سینما

● فیلم «قاتل و وحشی» با وجود تحسین منتقدان به دلیل ظاهر متفاوت باز یگر زن، مجوز نمایش عمومی نگرفت

مهدی اشراقی
فعال فرهنگی

فیلم قاتل و وحشی ساخته حمید نعمت‌الله، مهم‌ترین و جنجالی‌ترین فیلم توقیفی سال‌های اخیر است. فیلمی که با وجود تحسین در اکران خصوصی، هیچ‌گاه فرصت نمایش عمومی در داخل کشور را پیدا نکرد.

پروانه نمایش فیلم نیز تنها برای اکران خارجی صادر شده است. همین صدور پروانه نمایش نشانگر این است که فیلم به خودی خود مشکل حقوقی ندارد. اما ماجرای توقیف، به جشنواره فجر سسی‌ونهم بازمی‌گردد. جایی که با وجود استقبال برخی منتقدان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از صدور مجوز نمایش آن خودداری کرد. علت اصلی؟ ظاهر نقش اول فیلم لیلا حاتمی با سر تراشیده و بدون پوشش موی رایج.

«امید اکران، محاق اکران»
در بیانیه سازمان سینمایی در اسفند ۱۴۰۱ آمده بود که «مضمون ملتهب و خشن فیلم دلیل توقیف نیست، بلکه تنها تصاویر بازیگر

موی تراشیده در سینمای ایران بی‌سابقه بوده است؟ به هیچ وجه. در تاریخ سینمای پس از انقلاب، نمونه‌هایی از این دست کم نبوده‌اند. فریمه فرجامی در «سرب» (برنده دیپلم افتخار جشنواره هفتم)، رویا نونهالی در «زندان زنان» (برنده تندیس جشن خانه سینما)، زهرا داوودنژاد در «بچه‌های بد»، نیلوفر خوش خلق در «بوی بهشت»، خاطره حاتمی در «قرنطینه»، آزاده زارعی در «آمین خواهیم گفت»، شایسته ایرانی در «آینه‌های روبه‌رو»، رویا تیموریان در «شیفتگی» (نامزد نقش اول زن در جشنواره ۳۲)، سمیرا حسن‌پور در «سه‌کام حبس» و پانته‌ا بهرام در «شنای پروانه»، همگی در نقش‌هایی ظاهر شده‌اند که مشابه وضعیت موی لیلا حاتمی در قاتل و وحشی بوده‌اند.

«مراجع تقلید: بدون نیت تبرج مصداق بی‌حجابی نیست»
در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که اگر عطف به ماسبق در روبه‌های

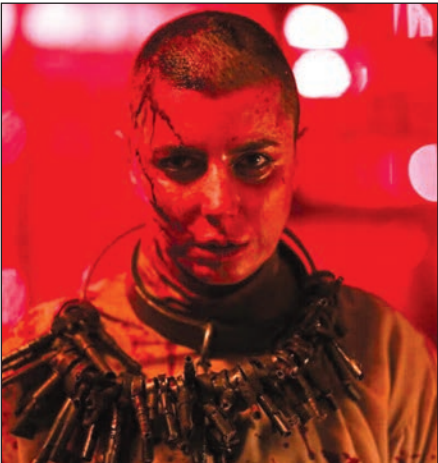
فرهنگی مبنا قرار گیرد، چرا برای فیلم نعمت‌الله استثنایی این‌گونه اعمال شده؟ این همان جایی است که نبود وحدت رویه در سیاست‌گذاری فرهنگی به چشم می‌آید. جایی که نه قانون، بلکه سلیقه، تعیین‌کننده می‌شود. اما برخی مسئولان مدعی شده‌اند که مشکل فیلم فقهی است. موضوعی که نگارنده برای اطمینان بیشتر، شخصا از دفاتر چند تن از مراجع تقلید پیگیری کرد. پرسش روشن بود: آیا نمایش زن با سر تراشیده (بدون موی قابل مشاهده و فاقد جلوه تبرج) مصداق بی‌حجابی شرعی است؟ پاسخ‌ها با وجود تفاوت‌های جزئی، اتفاق نظر روشنی داشتند: در صورت نبود جلب توجه و نیت تبرج، این موضوع الزاما مصداق بی‌حجابی نیست.

«خشونت آن روزها، حرف تازه سینما بود!»
از سسوی دیگر یکی از انتقادهایی که گاه به فیلم وارد می‌شود، خشونت آن است. اما نباید فراموش کرد که این اثر در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ ساخته شده؛ زمانی که پرداختن



مستقیم به خشونت روانی و اجتماعی در سینمای ایران تجربه تازه‌ای بود. نعمت‌الله با شهامت، به دل تاریکی‌های روان انسان رفت و اثری ساخت که سال‌ها بعد، تبدیل به جریان غالب در سریال‌سازی ایران شد. از این منظر قاتل و وحشی نه تنها در زمان خود جسورانه و پیش‌رو بود بلکه جریان‌ساز نیز بوده است.

«بقا سینما با اعتماد به عقلایت فرهنگی»
در نهایت اگر آغاز توقیف فیلم را بتوان بر دوش شرایطی خاص گذاشت، ادامه این توقیف قطعا دیگر بهانه‌پذیر نیست. ادامه توقیف فیلمی که صلاحیت فنی و هنری آن بارها تأیید شده، نه اقدامی فرهنگی است و نه حتی مصلحت‌اندیشی. تداوم توقیف این فیلم بیش از هر چیز، بی‌اعتمادی به مخاطب، بی‌اعتمادی به هنرمند و نهایتا بی‌اعتمادی به عقلانیت فرهنگی جامعه است. سینمای ایران برای بقا به آشتی نیاز دارد؛ نه تکرار بی‌پایان سوءظن.



کن، صحنه تازه‌ای از حضور فناوری در سینما

برنده جدال سینمای اصیل و هوش مصنوعی کیست

● بازگشت رادیکال به سینمای انسانی مطالبه نویسندگان بیانیه دکما ۲۵

● عصر الگوریتم‌ها هشدار جدی برای دنیای شبیه‌سازی شده نه واقعی



«پیشتازی نولان با تکنولوژیک

با وجود هشدار نویسندگان بیانیه، فیلمی در فستیوال کن حضور دارد که نقطه مقابل این جریان است. کریستوفر نولان با «ادپسه» - نخستین فیلم تاریخ که به‌طور کامل با دوربین IMAX فیلم‌برداری شده است از راه رسید. این اقتباس بصری و پرخرج از شاهکار هومر، همچون تابلویی متحرک از اسطوره و تکنولوژی، نمایشگر سینمایی است که همچنان در پی وسعت دادن به مرزهای تجربه است. حتی اگر این مرزها با سلولوئید خداحافظی کرده باشند.

«تام کروز و آخرین ماموریت غیرممکن

یکی از جذاب‌ترین هیاهوهای این روزهای دنیای سینما که با کن آغاز شد، تام کروز باشد. «ماموریت غیرممکن؛ حساب نهایی»، واپسین قسمت از مجموعه پرتعداد که با صحنه‌هایی سرسام‌آور از تعقیب و گریز و بدل کاری، یادآور این نکته شد که سینما برای برخی از ستاره‌هایش همچنان یعنی «بدن در خطر» است. کروز با شیرجه‌از آسمان و دویدن بر لبه پر تگاه،



بار دیگر جایگاهش را تثبیت کرد. پایان «ماموریت غیرممکن» شاید نزدیک باشد، اما ماموریت تام کروز تمام نمی‌شود. تام کروز ۶۲ ساله که نزدیک به سه دهه در نقش ایتی هانت خوش درخشیده، در مراسم نمایش جهانی فیلم جدیدش «روزشمار نهایی» بار دیگر ثابت کرد هنوز توفقی در کارش نیست. او روی فرش قرمز گفت: «این فینال است. اما من متوقع نمی‌شوم! می‌خواهم تا ۱۰۰ سالگی فیلم بسازم». کروز تأکید کرد که عاشق فیلم‌های اکشن، درام و کمدی است و همچنان این کار هنوز در رگ‌هایش می‌جوشد. او با الهام از هریسون فورد، قصد دارد تا سال‌ها بعد هم جلوی دوربین بدرخشد.

«تام کروز به جنگ هوش مصنوعی رفت

فارغ از درخشش همیشگی تام کروز که او را به وزنه بی‌بدیل با هر حضورش تبدیل می‌کند؛ داستان آخری قسمت فیلم «عملیات غیرممکن» جنجال برانگیز است. کاراکتر این در تازه‌ترین قسمت این فیلم به مبارزه با یک هوش مصنوعی می‌رود. هوش

مصنوعی که به قصد نابودی زمین آمده است. این ایده و این دشمن، نمایی از دغدغه‌هنرمندان در عرصه‌های مختلف است که حالا چند سالی می‌شود از آن حرف می‌زنند. همان نگرانی‌ای که در بیانیه دکما ۲۵ در خلال برگزاری کن نیز مطرح شد.

«جدال هوش مصنوعی و میراث داران سینما»
جایگزینی هوش مصنوعی برای سینما، مسیری است که سینما را به سمت صنعتی غیر واقعی، غیر انسانی و بدون احساس تبدیل می‌کند. تصویرهای بزرگی از شبیه‌سازی که دیگر دنیای واقعی نیستند. آنچه کریستوفر مک‌کواری کارگردان فیلم، در فیلم آخرش نمایش داده است درواقع مبارزه با جایگزینی فناوری جدید به جای سینما حتی در تعریف صنعت سرگرمی آن است.

اکنون این سوال را می‌توان مطرح کرد. آینده سینما به کدام سو می‌رود؟ آیا بیانیه‌های «دکما ۲۵» می‌توانند مانعی بر راه سیل فناوری

فرهنگ و هنر | هر سال کن بهانه‌ای است برای مرور نبض سینمای جهان. جشنواره‌ای که با زرق و برق فرش قرمز آغاز می‌شود و با اشک و خنده در سالن‌های تاریک ادامه پیدا می‌کند. اما کن ۲۰۲۵ چیزی فراتر از یک جشنواره بود. یک اعتراف، یک پیش‌نویس انقلابی، یک آما پیشگاه برای آنچه آینده سینما می‌نامیم. امسال برای کن تنها خود سینما موضوع نبود. در دل توفانی از فناوری‌های مولد، الگوریتم‌های هوش مصنوعی و نمایش‌های فریبنده دیجیتال، گرو‌هی از سینماگران شمال اروپا بیانیه‌ای هشدار آمیز و انتقادی از حضور هوش مصنوعی در سینما صادر کردند. آنها در این بیانیه نوشتند: «دکما ۲۵» بازگشتی رادیکال به سینمای انسانی، به تصویر بدون فیلتر و به باز یگر و دوربین است. نویسندگان بیانیه هشدار دادند که در عصر تسلط الگوریتم‌ها آنچه از سینما باقی خواهد ماند، تنها یک شبیه‌سازی خواهد بود و جایی برای تجربه و احساس وجود نخواهد داشت.

کن

جایگزینی هوش مصنوعی برای سینما، مسیری است که سینما را به سمت صنعتی غیر واقعی، غیر انسانی و بدون احساس تبدیل می‌کند. تصویرهای بزرگی از شبیه‌سازی که دیگر دنیای واقعی نیستند. فیلم‌هایی چون «ادپسه» نولان و بدل کاری‌های کروز که به مبارزه با هوش مصنوعی رفته است، نشانه تطبیق سینما با شرایط جدید هستند. شاید بتوان هنوز امیدوار بود که سینما برخلاف پیش‌بینی‌ها فقط شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. این را به گواه فیلم‌های حاضر در فستیوال کن می‌توان گفت. تلاش امضاکنندگان بیانیه انتقادی کن، یا سینماگرانی چون مک‌کواری که نگرانی خود را از جایگزینی فناوری به جای انسان ابراز کردند؛ می‌تواند بخش امیدوارکننده آینده سینما باشد که به هوش مصنوعی نخواهد باخت



از زندگی انسانی و سینمای اصیل هستند. با این‌همه تلاش امضاکنندگان بیانیه انتقادی کن، یا سینماگرانی چون مک‌کواری که نگرانی خود را از جایگزینی فناوری به جای انسان ابراز کردند؛ می‌تواند بخش امیدوارکننده آینده سینما باشد که به هوش مصنوعی نخواهد باخت. با این‌همه سوال همچنان پابرجاست، سینما در آینده دور یا نزدیک! به کدام سو می‌رود. برنده این جدال کدام یک خواهند بود.

گلایه‌های وحید اسداللهی از بی توجهی به جایگاه موسیقی آذربایجان که بخشی از هویت ملی است

خلأ آموزش؛ موسیقی اقوام در حاشیه

سما بابایی
هفت صبح

وحید اسداللهی چهره‌ای شناخته شده در عرصه موسیقی نواحی امشب در تالار وحدت کنسرت برگزار می‌کند. این اجرا که با همراهی گروه حرکات آیینی و اجرای رقص‌های فولکلور آذری همراه خواهد بود با خوانندگی حسین جعفری بر صحنه می‌رود.

اسداللهی حالا قریب نیم‌قرن می‌شود که در تلاش برای شناسایی توانایی‌های موسیقی آذربایجان در ایران است. او در جمهوری آذربایجان شاگرد الماس قلی‌اف شد و تکنیک‌های ممتاز نوازندگی ناقارا را از او فراگرفت. بعد از آن نیز با راهنمایی صفرعلی جاوید، تجربه حضور در ارکسترهای باکورا آغاز کرد. اسداللهی، نخستین تک‌نواز خارجی ناقارا در ارکستر فیلارمونیک جمهوری آذربایجان است. او همچنین اجراهای بین‌المللی بسیاری را در کشورهای کانادا، آمریکا، فرانسه، آلمان و ایتالیا از سر گذرانده و از همین روی است که او را «پدر ناقارا ایران» می‌دانند.



سال‌هاست موسیقی اقوام نادیده گرفته شده و این میراث فرهنگی در هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود. «موسیقی دیگر این‌ها عظمت فرهنگی نیست» اسداللهی، این کم‌توجهی ساختاری را از عوامل اصلی مهجور ماندن موسیقی نواحی می‌داند: «اگر ایران را سزمینی بزرگ و ریشه‌دار می‌دانیم، پس موسیقی آن نیز باید این‌ها را عظمت و تکرر فرهنگی باشد. اما متأسفانه

بسیاری از ریتم‌ها، ساختارها و فرم‌های بومی اقوام یا به حاشیه رانده شده‌اند یا اساساً در نظام آموزشی کشور محلی از اعراب ندارند. این انقطاع میان دانش رسمی و میراث شنیداری اقوام، آسیب‌هایی جدی به هویت موسیقایی ما وارد کرده است.»

او در ادامه با تأکید خاص بر ضرورت حفظ و احیای سازهای سنتی، به وضعیت ساز «دایره» اشاره کرد، سازی که در موسیقی مقامی و آیینی آذربایجان جایگاهی ممتاز دارد اما در سال‌های اخیر رو به فراموشی نهاده

است: «نسل پیشین دایره‌نوازان ما که این ساز را با جان می‌نواختند و آموزش را سینه به سینه منتقل می‌کردند، اغلب از میان رفته‌اند. حال آن‌که نسل جدید، کمتر به سراغ این ساز می‌رود و حتی گاهی‌شان کافی برای آن قایل نیستند. من خودم در تعدادی از کنسرت‌هایم به دایره‌نوازی نیز بپردازم تا صدایی را زنده نگه دارم که بخشی از ریشه فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد.»

موسیقی را به کوچه‌بازاری تنزل می‌دهند
او سخنان خود را با گلایه‌ای تلخ به پایان رساند: «در بسیاری از کنسرت‌ها شاهد استفاده از موسیقی ترکیه‌ای به جای موسیقی آذربایجانی هستیم؛ این در حالی است که موسیقی ما را گاه تا حد موسیقی کوچه‌بازاری تنزل می‌دهند.»

ریشه در سنت کهن شرق میانه دارد و هم‌پوشانی‌های فراوانی با موسیقی دستگاهی ایران و مقامات عربی دارد. برخلاف موسیقی ایرانی که بیشتر درون‌گرا و عارفانه است، موغام آذربایجانی گرایشی بیرونی، اجتماعی و گاه حماسی دارد. این موسیقی حتی در حزن‌ترین مقام‌هایش، بذری از امید، تحرک و جسارت در دل مخاطب می‌کارد.

موسیقی مردمی آذربایجان نیز خود به چند شاخه تقسیم می‌شود: «موسیقی عاشیقی»، «بزمی» و «پلی». عاشیق‌ها، همان نقالان موسیقی‌پرداز فرهنگ آذربایجانی هستند که در سستایش قهرمانان، روایت وقایع تاریخی یا بیان دردهای مردمی، اشعار خویش را با ساز و آواز در مراسم‌های عمومی اجرا می‌کنند. موسیقی بزمی، طرب‌انگیز و با ریتم‌های شاد است. در حالی که موسیقی ایلی بیشتر بیانگر زندگی روستایی و سنت‌های ایلات و عشایر منطقه است.

میراث فرهنگی سال‌هاست نادیده گرفته شده
این موسیقی از آن‌رو ماندگار مانده که برخلاف برخی اشکال موسیقی آکادمیک، در دل ملت و میان مردم زاده شده است. در مهمانی‌ها، عروسی‌ها و حتی آیین‌های سوگواری، نغمه‌های فولکلوریک نقشی اساسی داشته و دارند. از همین روست که «اسداللهی» می‌گوید: «منطقه ما سردسیر است و از همین‌رو موسیقی ماربنمی کوبنده، پر تحرک و سرزنده دارد. موسیقی آذربایجان به شدت مردمی است. بسیاری از قطعات فولکلور ما در بطن جامعه، در عروسی‌ها و میهمانی‌ها خلق شده‌اند و این همان روح مشترک اقوام و مردم ماست. با این حال آهنگسازان معاصر چندان به این ویژگی‌ها توجهی نشان نمی‌دهند. البته آنان نیز تفسیری در این خصوص ندارند، چرا که

ابتدایی نیز از ساختار، ریتم و روح حاکم بر آن ندارند.»
نام موسیقی نواحی را تنها یدک می‌کشند
اسداللهی با انتقاد از وضعیت کنونی موسیقی فولکلور در ایران بیان کرد: «این روزها تولید و اجرای آثار فولکلور بسیار سطحی شده است و اغلب گروه‌ها بدون درک عمیق از موسیقی نواحی، صرفاً عنوان آن را یدک می‌کشند. برخی گروه‌ها نه تنها تخصصی در موسیقی نواحی ندارند، بلکه اصول اولیه آن را نیز زیر پا می‌گذارند. اما من باور دارم که جوانان باید فرصت شنیدن آثار اصیل منطقه خود را داشته باشند.»

خلأ آموزش، موسیقی نواحی بی‌جان کرده
اسداللهی معتقد است که: «ما در کشورمان با خلأ جدی در عرصه آموزش و پژوهش موسیقی نواحی مواجهیم. آهنگسازان جوان، به‌رغم برخورداری از تحصیلات آکادمیک، آشنایی چندان با ریشه‌های موسیقی اقوام خود ندارند و حتی در برخی موارد، آن را در تراز هنری موسیقی شهری نمی‌دانند. این نگاه از اساس معیوب است. زیرا هر گاه موسیقی شهری از ریشه‌های اقوام و بوم خود جدا شده، در بهترین حالت، به فرمی بی‌جان و بی‌ریشه بدل گشته است. مسئولان فرهنگی، دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها باید به موسیقی اقوام نه به‌مثابه امری تزئینی یا آرشویی، بلکه به‌مثابه بخشی زنده، پویا و هویت‌ساز از بدنه موسیقی ملی بنگرند.»

موسیقی ایران درون‌گرا، آذربایجان برون‌گرا
او با بیان اینکه موسیقی آذربایجان، برخلاف تصور رایج تنها یک شاخه از موسیقی اقوام نیست بلکه منظومه‌ای گسترده است که در ساختار خود دو شاخه متمایز و در عین حال مکمل، موسیقی «موغام» و موسیقی مردمی دارد، گفت: «موسیقی موغام (یا همان موسیقی مقامی)،

موسیقی آذربایجان، هویت جدانشدنی ملی
این نوازنده موسیقی مقامی با آکاوی وضعیت امروز موسیقی نواحی، به ویژه موسیقی فولکلور آذربایجان، با ارجاج به پیشینه تاریخی و فرهنگی این موسیقی، گفت: «موسیقی آذربایجان در ایران، یک جریان فرعی یا حاشیه‌ای نیست بلکه بخشی جدانشدنی از هویت موسیقایی ملی است. هویتی که طی دهه‌ها از کوشش‌های آهنگسازان و نوازندگان ریشه‌دار این خطه، قوام یافته است.»

تعامل سازنده موسیقی مقامی و موسیقی شهری
این موسیقیدان آذری با تأکید بر ظرفیت هم‌افزایی میان موسیقی مقامی و موسیقی شهری افزود: «در برهه‌ای از تاریخ معاصر این دو جریان موسیقایی در نسبت و تعامل با یکدیگر قرار گرفتند. موسیقی مقامی از قالب سنتی و بومی‌اش فاصله نگرفت، اما توانست با ورود به بافت موسیقی شهری، بخشی از ساختار رسمی هنر موسیقی را از درون متحول سازد.»

آهنگسازان از جهان موسیقی قوام دور افتادند
او همچنین از «افول دغدغه‌مندی در قبال موسیقی اقوام» گلایه کرده و می‌گوید: «تلفیق میان موسیقی مقامی و موسیقی شهری، که زمانی نویدبخش پیوند میان سنت و مدرنیته در فضای آوایی ایران بود، امروز به طرز نگران‌کننده‌ای کمرق شده است. علت این رخوت، چیزی جز دورافتادگی آهنگسازان موسیقی رسمی از زیست جهان موسیقی اقوام نیست. آنان نه تنها این موسیقی را تجربه نکرده و در فضای آن نفس نکشیده‌اند، بلکه در بسیاری موارد حتی شناخت

ماشین‌ها خطری برای جامعه دموکراتیک

مسئله فقط این نیست که این آثار اصیل نیستند، بسیاری از آثار انسانی هم اصیل نیستند. مسئله اصلی اینجاست که با خلق ماشینی، ذات هنر گم می‌شود و این برای امکان وجود یک جامعه دموکراتیک خطرناک است. هنر کوششی انسانی و جمعی است و صرفاً لقب کسانی نیست که خود را هنرمند می‌دانند. هنر فقط کنار هم چیدن رنگ‌ها، فرم‌ها، صداها یا کلمات نیست. جوهره آن در فرایند خلق نهفته است. وقتی اثری هنری می‌آفرینیم، چیزی غیرقابل توصیف از درون خود به آن منتقل می‌کنیم. این «چیز» گنگ و درونی به دیگری امکان می‌دهد احساس خود را بر اثر فراقش کند و از این راه، در سطحی فراتر از واژه‌ها با هنرمند ارتباط برقرار کند.

هنر، تجربه و انتقال انسانی

ارزش بی‌نهایت هنر در خود اثر نیست، بلکه در امکان بازنمایی تجربه‌ای انسانی و یگانه است که در پس آن نهفته است. هر اثر هنری ردپایی است از درون هنرمند، از حس او نسبت به بودن در جهان. خلق هنر نوعی انتقال است. انتقال حقیقتی ناگفتنی از خود به دیگری. مخاطب در اثر، پژواکی از احساسات، ترس‌ها یا آرزوهای خود را بازمی‌یابد. هنر، زبانی مشترک اما غیرمستقیم برای پر کردن شکاف‌های انسانی است.

هنر پیوند میان انسان‌ها و احساسات
هنر نه تنها ما را به هنرمند، بلکه ما را به هم وصل می‌کند. وقتی دو غریبه از یک اثر تأثیر می‌پذیرند و هر یک، تجربه‌ای عمیق از رنج، خاطره یا آرزویی ناگفتنی را در آن بازمی‌شناسند پیوندی میان آن‌ها شکل می‌گیرد. پیوندی صمیمی و آسیب‌پذیر که در شرایط معمول دست‌نیافتنی است. هنرمند و اثرش واسطه‌ای می‌شوند برای پیوند ما، نه فقط به مثابه مصرف‌کننده بلکه به مثابه انسان‌هایی با احساساتی عمیق. به همین دلیل است که با دوستمان فیلم تماشا می‌کنیم، با همسایه‌ها نقاشی می‌کشیم یا در یک عصر بارانی به خواندن رمان پناه می‌بریم.

کانت: حس مشترک، نیروی اجتماعی و سیاسی

امانوئل کانت، زیبایی را چه در هنر و چه در طبیعت نیرویی حیاتی می‌دانست که درک، اشتیاق و پیوند انسانی را زنده نگه می‌دارد. از نظر او، زیبایی با واژه یا مفهوم قابل توصیف نیست؛ فقط می‌توان آن را حس کرد. در مواجهه با زیبایی، ما «حس زندگی» را تجربه می‌کنیم، همان حسی که وجود ما را معنا می‌بخشد. این حس ما را به سوی دیگری سوق می‌دهد تا خودمان را، به عنوان انسانی یگانه، با دیگران شریک شویم. زیبایی تجربه‌ای است که در دل تفاوت‌ها، ما را به هم پیوند می‌دهد. کانت این تجربه را «حس مشترک» می‌نامید. حسی که هنر را به نیرویی اجتماعی و سیاسی بدل می‌کند و برای مقابله با روند شیء شدن انسان ضروری است. به همین دلیل است که هابانو میزاکا، هنر خلق شده توسط هوش مصنوعی را «توهینی به خود زندگی» می‌داند.

آرنت و اسکاری: گشودگی زیبایی بنیان زندگی دموکراتیک

هنر هم بستر ساز اجتماع

پایان پیوند انسانی، پایان دموکراسی

از بین رفتن این پیوندها، پیامدهایی جدی برای روابط فردی و نیز ساختار اجتماعی و سیاسی دارد. روح دموکراسی به همین پیوندها متکی است. به این درک که در عین تفاوت، تجربه‌هایی مشترک از انسان بودن داریم، بدون این تجربه‌های مشترک که تفاوت‌ها را تأیید و از آن‌ها حفاظت می‌کند، رشته‌هایی که حیات دموکراتیک را حفظ می‌کنند گسسته می‌شوند.

آثاری خالی از سکنه

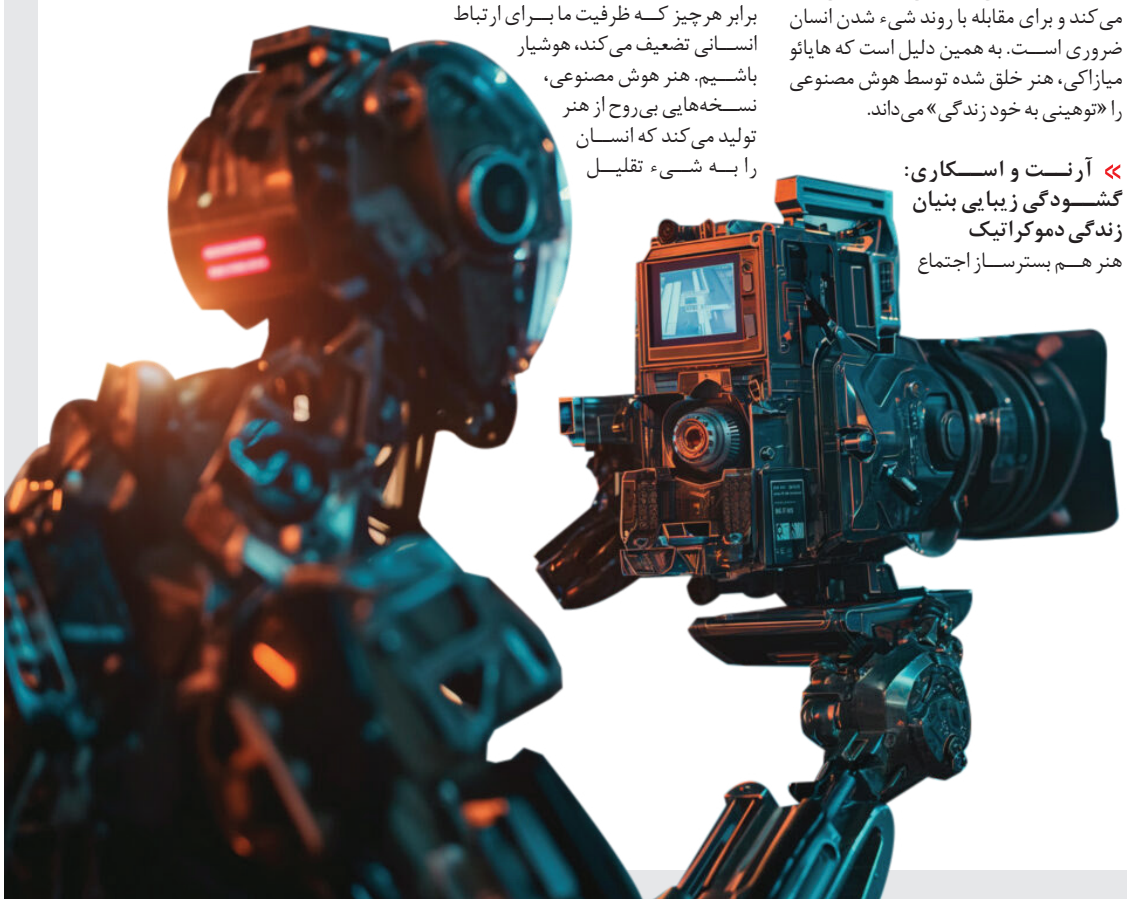
تصویرها، موسیقی و نثرهایی که هوش مصنوعی تولید می‌کند، پویایی زیبایی‌شناختی‌ای را از بین می‌برد که برای دموکراسی حیاتی است. ماشین نه آرزو دارد، نه در بدنی زندگی می‌کند که درد و ناکامی را تجربه کند و نه با محدودیت‌های درونی‌اش کلنجار می‌رود. چنین آثاری به مونا بی‌بیدارین، «خالی از سکنه» اند، در ماشین، وجود ندارد که بخواهد برای رسیدن به «خود ایده‌آل» بجنگد. در نتیجه، هیچ ارتباط و وجودی واقعی با مخاطب شکل نمی‌گیرد.

بنجامین: دوران رهبری میلیاردها بر هنر

والتر بنجامین در مقاله مشهور خود در سال ۱۹۳۵، «اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی»، هشدار داد که فاشیسم، سیاست را زیبایی‌شناختی می‌کند. یعنی به توده‌ها توهم آزادی بیان می‌دهد در حالی که قدرت واقعی را از آن‌ها سلب می‌کند. هنر تولید شده توسط هوش مصنوعی به همان شیوه عمل می‌کند یعنی تصویری از آزادی و فراوانی به نمایش می‌گذارد، در حالی که ابزار تولید، نه فقط کالاها بلکه فرهنگ، تخیل و زبان را در دست اقلیتی ثروتمند و قدرتمند متمرکز می‌کند. هوش مصنوعی، هنر و دانش را دموکراتیک نمی‌کند، آن‌ها را خصوصی‌سازی و خودکار می‌کند و در اختیار میلیاردرهایی می‌گذارد که همچون رهبران اقتدارگرای زمانه بنجامین، می‌خواهند ما آن‌ها را نابه‌هایی تصور کنیم که باید به آن‌ها احترام بگذاریم و حتی هویت و زبانمان را مدیونشان بدانیم.

می‌دهند و پیوندهای اجتماعی‌ای را که هنر واقعی زنده نگه می‌دارد، نابود می‌کنند. اما همین مسئله می‌تواند ما را تشویق کند که زیبایی و هنر را از چنگال سرمایه‌داری و تولید مصنوعی بازپس بگیریم. برای این کار، باید در برابر وسوسه استفاده از ماشین برای خلق هنر، زبان، دوستی، روان‌درمانی یا تفکر انتقادی مقاومت کنیم. باید از پیوند زدن ژرف‌ترین احساسات انسانی خود با اشیایی که صرفاً توهم‌زا و بهره‌کش‌اند، خودداری کنیم.

منبع: گاردین
نویسنده: اریک راینهارت، انسان‌شناس سیاسی، روان‌پزشک اجتماعی و روان‌درمانگر تحلیلی



در جهانی که هوش مصنوعی نقاش و نویسنده می‌شود:

باید هنر را از سرمایه‌داران مصنوعی پس بگیریم

هشدار به جهان، زامبی‌های هنری در کمین جامعه بشری

نوشین آذرنگ
هفت صبح

وقتی ماشین با هوش مصنوعی اثری هنری خلق می‌کند، مهم‌ترین توانایی و قدرت اثر هنری از بین می‌رود. قدرت پیوند دادن انسان‌هاست. آن هم در زمانی که تنها به شکلی فراگیر گریبان گیر ما شده است.

چندی پیش، شرکت بزرگ آپن‌ای‌آی اعلام کرد که پلتفرم چت‌جی‌پی‌تی، قابلیت تولید رایگان تصویر را در اختیار کاربران قرار داده است. این خبر موجی از تصاویر در فضای آنلاین به راه انداخت که سبک کار اینماطور سرشناس هابانو میزاکا و دیگر هنرمندان نامدار را تقلید می‌کردند. بسیاری این اتفاق را گامی دیگر در مسیر «هرگ هنر» و نابودی جایگاه هنرمند می‌دانند. درست همان‌طور که رمان‌های تولید شده با هوش مصنوعی باعث می‌شوند، نویسندگان واقعی به زامبی‌هایی بی‌روح تبدیل شوند. در مواجهه با این آثار اغلب با احساسی عجیب یا شاید بهتر است بگویم با نوعی بی‌حسی روبه‌رو می‌شویم.



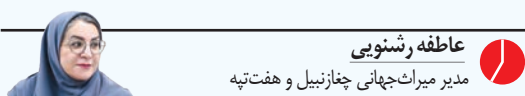


مجال

تنوع فرهنگی: زمینه‌ساز گفت‌وگو

بستر توسعه در سایه میراث جهانی چُغازَنبیل

به مناسبت روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت‌وگو و توسعه ۲۱- می



عاطفه رهنمایی

مدیر میراث‌ جهانی چغازنبیل و هفت‌ تپه

در جهانی که بیش از هر زمان دیگری با بحران‌های هویتی، فرهنگی و سیاسی روبه‌روست، گرامیداشت «روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت‌وگو و توسعه» (۲۱ می) یادآور جایگاه بی‌بدیل تنوع فرهنگی به‌مثابه سرمایه‌ای مشترک در مسیر توسعه پایدار است. بر اساس بیانیه جهانی یونسکو (۲۰۰۱) درباره تنوع فرهنگی، تنوع همچون میراث طبیعی بشری، منبعی است برای خلاقیت، تبادل و نوآوری. سازمان ملل نیز در قطعنامه شماره ۵۷/۲۴۹ تنوع فرهنگی را نه تهدیدی، بلکه امکانی برای گفت‌وگوهای موثر و مشارکت‌های بین فرهنگی در عرصه توسعه می‌داند.

در این میان، میراث جهانی چغازنبیل نه‌تنها یک اثر باستانی از تمدن عیلامی، بلکه بستری زنده از تنوع فرهنگی جوامع پیرامونی است. این محوطه که در میانه دشت خوزستان جای گرفته، قرن‌هاست که همزیستی اقوام، زبان‌ها، آیین‌ها و شیوه‌های زیست متفاوت را تجربه کرده است؛ از ایل یختیاری تا عرب‌های جنوب، از لرهای خوزستانی تا جوامع روستایی که هر یک میراث‌دار بخشی از حافظه فرهنگی این منطقه‌اند.

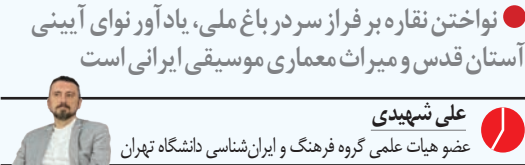
درک درست از این تنوع، مستلزم عبور از نگاه موزه‌ای به فرهنگ است. فرهنگ‌ها را نمی‌توان در قاب‌هایی بسته، تثبیت و تعریف کرد؛ آن‌ها پویا، متکثر و در حال گفت‌وگو هستند. اما زمانی که این تکثر به رسمیت شناخته نشود، زمینه برای سوءبرداشت، تضاد منافع و حتی تقابل فراهم می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که نادیده گرفتن هویت‌های فرهنگی، ریشه بسیاری از تنش‌ها و گاه افراط‌گرایی‌های فرهنگی و سیاسی بوده است. چُغازَنبیل، به‌عنوان یک میراث جهانی، می‌تواند الگویی برای مدیریت تنوع فرهنگی باشد، چگونه؟ نخست با بازشناسی و مستندسازی تنوع فرهنگی موجود در جوامع پیرامونی؛ از زبان و موسیقی تا معماری بومی و شیوه‌های زیست. دوم، با مشارکت‌دادن این جوامع در روایت‌گری میراث؛ یعنی به جای تحمیل روایت رسمی، بگذاریم مردم خود سخن‌گوین فرهنگ‌شان باشند. سوم، با برگزاری برنامه‌های میان فرهنگی –از کارگاه‌های هنری تا گفت‌وگوهای بین نسلی- که به نزدیکی فرهنگی و کاهش سوء تفاهم‌ها کمک می‌کند.

در عین حال، آموزش میان فرهنگی در مدارس و فضاهای عمومی و تربیت راهنمایان محلی آشنا با تنوع فرهنگی منطقه، از دیگر راهکارهایی است که در بسیاری از کشورهای دارای میراث جهانی به کار گرفته شده و نتایج قابل توجهی به همراه داشته است. در چغازنبیل نیز می‌توان با تکیه بر ظرفیت پایگاه میراث جهانی، این اقدامات را به‌صورت برنامه‌مند و با همکاری نهادهای محلی، فرهنگی و بین‌المللی پیگیری کرد. گفت‌وگو، در چنین بستری، دیگر صرفاً امری آکادمیک یا بین‌دولتی نیست؛ بلکه تبدیل به رفتاری روزمره می‌شود که ریشه در شناخت، احترام متقابل و پذیرش دارد. این گفت‌وگو می‌تواند منجر به توسعه‌ای شود که نه‌تنها زیرساخت‌های اقتصادی، بلکه بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع را تقویت کند. در نهایت، روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت‌وگو و توسعه فرصتی است برای بازاندیشی در سیاست‌های فرهنگی ما؛ فرصتی برای آن که از چُغازَنبیل، به‌مثابه یک میراث زنده، پیام‌وزیم چگونه می‌توان با احترام به تنوع، به هم‌افزایی رسید و از دل گفت‌وگو، مسیرهای تازه‌ای برای توسعه گشود.



میراث ایران

نوای نقاره در باغ ملی



علی شهیدی

عضو هیات علمی گروه فرهنگ و ایران‌شناسی دانشگاه تهران

بالاخره پنجره‌های سردر در باغ ملی طهران باز شد. روز ولادت امام علی بن موسی الرضا، کتابخانه و موزه ملی ملک که در ضلع غربی میدان مشق جای دارد، هر ساله طبق وقف‌نامه حاج حسین ملک در تالار موزه جشن و مولودی بر گُزار می‌کند. اما این بار میدان و دروازه مشق با سردر باغ ملی به مدیریت این موزه میزبان این برنامه بود. طبقه بالای دروازه میدان که تنها دروازه تخریب نشده تهران قدیم است و برای نگهداری قرآن، نواختن ساز و نقاره و دهل و البته دیده‌بانی به کار می‌رفته و سال‌ها بسته و تعطیل بود، دوباره باز شد. نواختن ساز و نقاره در طبقه بالای دروازه میدان مشق یادآور نوای نقاره‌خانه آستان قدس رضوی است. نقاره‌خانه آستان قدس تنها یادگار سرپای به جا مانده از میراث معماری موسیقی ایرانی است و احیای همتای تهرانی آن می‌تواند در مناسبت‌های مذهبی و ملی مختلف، همواره یکی از جاذبه‌های تهراندگردی باشد. برای سال‌ها میدان مشق خالی پاپوین اختصاصی وزارت خارجه را داشت که به این ترتیب با حضور مردم در این میدان به یمن ولادت سلطان خراسان، باغ ملی، دوباره ملی شد. میدانی که در شلوغ‌ترین ساعت‌های ترافیک ظهر تهران اغلب خالی و خلوت است در این روز بسیار شلوغ بود. تنها راه حفظ و احیای بافت تاریخی پایتخت، کاربری پایدار آن به عنوان یک فضای سالم و سرزنده شهری است. حضور خانواده‌ها، کودکان، خاطره‌سازی برای مردم در قلب تاریخی تهران، نمایش چهره زیبای آیین‌های اسلامی ایران، احیای سنت وقف، شرکت شمار بیشتری از مردم در برنامه‌های فرهنگی موزه، مراسم امسال را متفاوت ساخت.



جلسه

روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۱۴۰۵۷ | پنجشنبه ۱ خرداد | ۱۴۰۴

به بهانه روز و هفته جهانی موزه می‌خواهیم بخشی از اتفاقات ناخوشایند میراث فرهنگی را تنها در دو ماهه اول امسال یعنی فروردین و اردیبهشت بررسی کنیم. این روز در سال ۱۹۷۷ توسط شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) با هدف ایجاد فرصتی برای فعالان حوزه موزه، پژوهشگران و عموم مردم نامگذاری شد تا درباره چالش‌ها و مأموریت‌های موزه‌ها گفت‌وگو کنند.از سال ۱۹۷۷ تاکنون، هر سال یک موضوع یا شعار خاص برای این روز انتخاب می‌شود که شعار امسال، آینده موزه‌ها در جوامع رو به تغییر است.

«آسیب به بنای فرهنگی توسط گروه فیلمبرداري

برای دومین بار گروه فیلمبرداری نرگس آبیار به بناهای تاریخی ایران آسیب رساندند. بار نخست آبیار برای ساخت فیلم «سوشون» زنده یاد سیمین دانشور، در باغ ثبت ملی عقیق‌آباد دکور ساخت و دخل و تصرف در بنای ثبت ملی وارد کرد، گرچه این اتفاق در سال ۱۴۰۰ رخ داد اما گویا مواخذه و تنبیهی برای آبیار وجود نداشت چراکه برایش درس عبرتی نشد و این بار فروردین ۱۴۰۴ خبر آسیب گروه فیلمبرداري او برای مجموعه «بامداد خمار» در مسجد عتیق قزوین منتشر شد. در این آسیب، بخشی از دیوار آجری یکی از شبستان‌های شمال شرقی مسجد عتیق قزوین، رنگ تیره پاشیده شد و ردوسایل صحنه‌سازی به صورت مشخص باقی ماند. فیلم‌برداري سریال «بامداد خمار» اوایل تابستان ۱۴۰۳ در مسجد جامع قزوین تا حدود ایان ماه ادامه داشت، گرچه روابط عمومی این سریال، تخریب در پرده‌های آجری مسجد را ناشی از کارگردان برای ساخت یک سریال، مجبور نمی‌شد مسجد را برای نشان دادن بازار دکور کند.

«کاوش در بهشت زهرا

در ایام نوروز خبری منتشر شد مبنی بر کشف محوطه باستانی در قطعه ۲۵۲ بهشت زهراي تهران. احمد علوی، رئیس کمیته میراث فرهنگی شورای شهر تهران در این باره گفت: عوامل بهشت‌زهرا در قطعه ۲۵۲ در حال تأمین زیرساخت‌ها بودند که برخی از کسانی که کارشان پیدا کردن دفینه است به سراغ عوامل بهشت زهرا می‌روند و می‌گویند اینجا احتمالاً چیزی دفن شده و چرا که در گذشته این محله خارج از تهران بود که پس از آن محوطه را محصور می‌کنند. کاوش به صورت مشترک با نهادهای امنیتی و وزارت میراث فرهنگی صورت می‌گیرد اما در آنجا چیزی نبود.

اما کارشناسان میراث فرهنگی استان تهران خیر خبردار شدند. محسن سعادت، معاون میراث فرهنگی استان تهران در واکنش به حفاری صورت گرفته و اظهارات مطرح شده درباره انجام این حفاری با مجوز رسمی و در حضور نمایندگان میراث فرهنگی، اعلام کرد: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران هیچ گونه هماهنگی، مشارکت یا اطلاعاتی در خصوص فعالیت‌های ادعاشده در این محدوده نداشت و هیچ مجوزی برای گمانه زنی یا حفاری از سوی این نهاد صادر نشده است. معاون میراث فرهنگی استان تهران تأکید کرد: هر گونه فعالیت مرتبط با کاوش یا حفاری در مناطق دارای ظرفیت میراثی، مستلزم اخذ مجوز رسمی از مراجع ذی‌صلاح و نظارت کارشناسان میراث فرهنگی است که در این مورد خاص، هیچ‌گونه درخواستی به این اداره کل ارائه نشده و نمایندگان از سوی مادر محل حضور نداشته است.

«کم شدن ۱۸ هزار مترمربع فضای موزه‌ای

از دیگر اخباری که جامعه موزه‌داری کشور را شوکه کرد، جابه‌جایی موزه قرآن بود. موزه ملی قرآن در ماه رمضان هم‌زمان با تعطیلات نوروز، تعطیل اما خبرش اردیبهشت ماه منتشر شد. این موزه در دهه ۷۰، با پیگیری راناشاد حسن حبیبی و بر اساس طرح معماری بهروز احمدی، در ساختمانی مدرن و متناسب با کاربری موزه در تقاطع خیابان‌های امام خمینی و ولیعصر راه‌اندازی شد. در دل این موزه، آثار منحصربه‌فردی نگهداری می‌شود، از قرآن‌های

افترا؛ تخریب آبرو با سلاح دروغ



مریم روسولی

وکیل پایه یک دادگستری

آبرو و حیثیت افراد در نظام حقوقی و اجتماعی، هم‌سنگ با مال و جان آنان اهمیت دارد. در جامعه‌ای که اعتبار و شخصیت افراد، سنگبنای تعاملات است، نسبت دادن جرم و رفتار خلاف قانون به دیگری بدون داشتن دلیل قانونی، تنها یک اشتباه ساده نیست؛ بلکه جرمی سنگین به‌نام افترا است. مطابق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) هر کس به‌وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به‌وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن را منتشر نماید که طبق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن را اثبات نماید، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا حبس از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

عناصر اصلی جرم افترا عبارت‌ند از:
۱- نسبت دادن صریح یک رفتار مجرمانه؛ باید به‌صورت واضح، رفتار خلاف قانونی به دیگری نسبت داده شود، نه به‌طور ضمنی یا مبهم.
۲- نشر یا علنی‌سازی: افترا باید به نحوی باشد که اشخاص ثالث از آن مطلع شوند؛ اعم از نشر در جمع، مکتوب، رسانه‌ای یا فضای مجازی.

۳- نبود دلیل یا مدرک قانونی: مرتکب باید ناتوان از اثبات صحت اتهام باشد. در غیر این صورت، موضوع از شمول افترا خارج است.

۴- عمد در نسبت دادن دروغ: افترا زمانی محقق می‌شود که شخص با علم به دروغ بودن اتهام، آن را به دیگری نسبت دهد. افترا می‌تواند پیامدهای اجتماعی، روانی و شغلی گسترده‌ای برای قربانی ایجاد کند. از تخریب وجهه اجتماعی گرفته تا از بین رفتن موقعیت شغلی و حتی از هم پاشیدن روابط خانوادگی و حرفه‌ای. در بسیاری موارد، افراد برای تسویه حساب شخصی یا بدگویی از رقیب، دست به این جرم می‌زنند. افترا با اتهام یا توهین تفاوت دارد. در توهین، هدف اهانت و تحقیر است؛ اما در افترا، فرد را به انجام عملی مجرمانه متهم می‌کنند. همچنین، اگر کسی صرفاً دروغی نسبت دهد که جرم نیست (مثل خیانت عاشقانه)، مشمول افترا نمی‌شود، بلکه ممکن است مشمول سایر جرایم حیثیتی باشد. در مواردی

هفته میراث فرهنگی؛ آینه‌ای از هویت و چالش‌های پیش رو

تنوع، نه‌تنها مشارکت عمومی را تقویت می‌کند، بلکه به ترویج فرهنگ حفاظت از میراث در لایه‌های مختلف جامعه یاری می‌رساند. تقدیر از فعالان حوزه میراث فرهنگی، از مرمت‌گران بناهای تاریخی گرفته تا پژوهشگران و هنرمندانی که عمر خود را صرف حفظ هویت فرهنگی کرده‌اند، نیز از نقاط قوت این رویداد است. این اقدام، ضمن ارج نهادن به تلاش‌های بی‌وقفه این افراد، انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت‌های ارزشمندشان فراهم می‌کند و حس مسئولیت جمعی را در قبال میراث فرهنگی تقویت می‌نماید. با وجود این نقاط قوت، هفته میراث فرهنگی با چالش‌هایی روبه‌روست که گاه از تأثیرگذاری آن می‌کاهد. کمبود منابع مالی و انسانی، یکی از بزرگ‌ترین موانع در اجرای برنامه‌های این هفته است. بسیاری از پروژه‌های مرمتی، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی به دلیل محدودیت بودجه یا کمبود نیروی متخصص، ناقص می‌مانند یا با کیفیت مطلوبی اجرا نمی‌شوند. این مشکل، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، نمود بیشتری دارد و مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های فرهنگی این مناطق می‌شود. چالش دیگر، مقاومت برخی دستگاه‌ها و نهادهای مسئول در ارائه آمار و اطلاعات شفاف درباره وضعیت مرمت و حفاظت از آثار تاریخی است. این عدم شفافیت، نه‌تنها اعتماد عمومی را نسبت به عملکرد نهادهای متولی خدشه‌دار می‌کند، بلکه امکان ارزیابی دقیق و نظارت مردمی بر پروژه‌های مرمتی را محدود می‌سازد. این موضوع، زمانی تکران‌کننده‌تر می‌شود که حفاظت از میراث فرهنگی، به‌عنوان وظیفه‌ای ملی، نیازمند همکاری و پاسخگویی همه‌جانبه است. نقش رسانه‌ها، به‌عنوان یکی از چالش‌های این رویداد، قابل تأمل است. رسانه‌ها، با ظرفیت بی‌نظیر خود برای جلب توجه عمومی و فرهنگ‌سازی، می‌توانند نقش کلیدی در ترویج حفاظت از میراث فرهنگی ایفا کنند. با این حال، گاهی به دلیل پوشش ناکافی، تمرکز بر موضوعات حاشیه‌ای یا عدم تولید محتوای جذاب، این

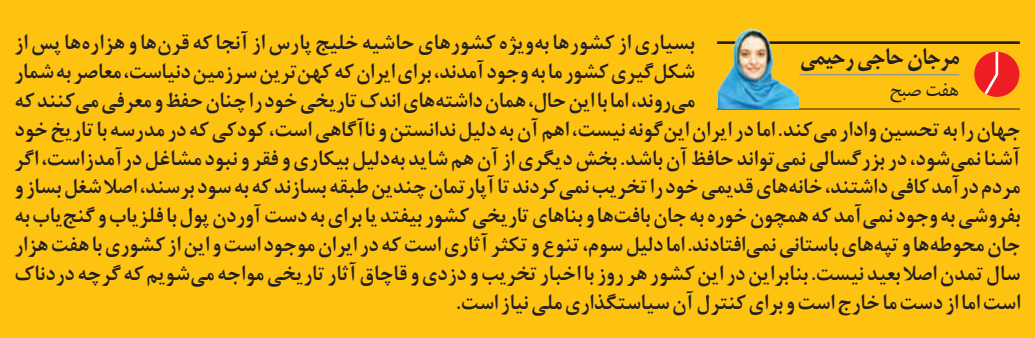
افزایش تخریب، سرقت و آسیب‌های جدی به آثار و محوطه‌های تاریخی و فرهنگی ایران در فروردین و اردیبهشت امسال

نش زخم عمیق

بریکر میراث ایران

● آسیب به مسجد عتیق، حفاری در بهشت زهرا، تعطیلی موزه قرآن

سرقت از ماهان و تهدید تخت جمشید تنها چند مورد از تخریب‌های میراث فرهنگی کشور در دو ماه گذشته است



مرجان حاجی رحیمی

هفت صبح

بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس از آنجا که قرن‌ها و هزاره‌ها پس از شکل‌گیری کشور ما به وجود آمدند، برای ایران که کهن‌ترین سرزمین دنیاست، معاصر به شمار می‌روند، اما با این حال، همان داشته‌های اندک تاریخی خود را چنان حفظ و معرفی می‌کنند که جهان را به تحسین وادار می‌کند. اما در ایران این‌گونه نیست، اهم آن به دلیل ندانستن و ناآگاهی است، کودکی که در مدرسه با تاریخ خود آشنا نمی‌شود، در بزرگسالی نمی‌تواند حافظ آن باشد. بخش دیگری از آن هم شاید به‌دلیل بیکاری و فقر و نبود مشاغل در آمدزاست، اگر مردم در آمد کافی داشتند، خانه‌های قدیمی خود را تخریب نمی‌کردند تا آبار تمان چندین طبقه بسازند که به سود برسند، اصلاً شغل بساز و بفروشی به وجود نمی‌آمد که همچون خوره به جان بافت‌ها و بناهای تاریخی کشور بيفتند یا برای به دست آوردن پول با فلز باب و گنج باب و گنج باب به جان محوطه‌ها و تپه‌های باستانی نمی‌افتادند. اما دلیل سوم، تنوع و تکثر آثاری است که در ایران موجود است و این از کشوری با هفت هزار سال تمدن اصلاً بعید نیست. بنابراین در این کشور هر روز با اخبار تخریب و وزدی و قاچاق آثار تاریخی مواجه می‌شویم که گرچه در دناک است اما از دست ما خارج است و برای کنترل آن سیاست‌گذاری ملی نیاز است.

خطی دوره تیموری و صفوی تا نسخه‌هایی با قدمت بیش از هزار سال، آثار خوشنویسان بزرگی چون میرعماد، عبدالمجید طالقانی و وصالح شیرازی. اما به یکباره تعطیل و قرآن‌های آن به کاخ موزه ماه رمضان هم‌زمان با تعطیلات نوروز، تعطیل اما خبرش اردیبهشت ماه منتشر شد. این موزه در دهه ۷۰، با پیگیری راناشاد حسن حبیبی و بر اساس طرح معماری بهروز احمدی، در ساختمانی مدرن و متناسب با شأن این کتاب الهی بود و حالا فضایی به این وسعت در کاخ سعدآباد وجود دارد که جایگزین آن شده. به گفته فخرالدین صابری، مدیر موزه ملی قرآن، «جمع‌آوری و جابه‌جایی آثار موزه ملی قرآن

آستانه روز جهانی موزه، مأموران یگان حفاظت وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی استان فارس با رصد حرکات قاچاقچیان اشیاء تاریخی متوجه فعالیت یک گروه از این افراد در محدوده تخت جمشید می‌شوند این قاچاقچیان قصد سرقت یکی از گورنیشه که گفته می‌شود مربوط به دوران ساسانی است را در حریم تخت جمشید داشتند که با توجه به شناسایی، حرکات قبلی نسبت به سرقت و تخریب این کتیبه، نیروهای یگان حفاظت در آن منطقه کمین کرده بودند. گرچه سارقان دستگیر شدند اما بخشی از کتیبه ساسانی برای همیشه از بین رفت. متن این کتیبه چنین بود: «پس خدخمک، پورگ، پسر آذور روشن، برای این روان گمشت، فرمود کردن، او را بهشت پهرش باد» این کتیبه را ۱۰ سال پیش هرتسفلد آلمانی کشف و ترجمه کرد.

«سرقت از موزه شاه نعمت‌الله ولی

باز هم در آستانه روز جهانی موزه، فیلمی منتشر شد که در آن پیرمردی جعبه‌ای پلاستیکی را در دست داشت که گویا در آن قرآن‌های خطی ایلمانی و سکه‌های تاریخی مربوط به موزه شاه نعمت‌الله ولی ماهان پنهان شده بود. گرچه سارقان دستگیر شدند و قرآن‌ها به موزه بازگشت. ۲۰ نسخه قرآن متعلق به دوره ایلمانی در این موزه وجود داشته که چهار نسخه آن منحصربه‌فرد و جهانی بوده است و سارق اصلی که مرید ۴۲ ساله بوده بابت بدهی این قرآن‌ها را در دیده، او این کار را با همدستی افراد دیگری انجام داد. مشخص نیست کدام نسخه‌ها به سرقت رفته‌اند و آیا تمامی آنها از منزل سارق کشف شده‌اند یا با موفقیت شده است. بعضی از آنها را در فاصله چندروز بعد از سرقت به فروش رساند؟

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات تاریخ کشور، ثبت نشدن اموال تاریخی است که در اختیار دیگر نهادها غیر از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی وجود دارد. نهادهایی که امسوال تاریخی در اختیار دارند همچون وزارت امور خارجه، بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان اوقاف، بانک‌ها و غیره. وزارت میراث فرهنگی سامانه‌ای به نام جام دارد که همه اموال تاریخی فرهنگی موزه‌ها باید در آن ثبت شوند. ثبت آنها یکی از مهمترین اقدامات برای جلوگیری از قاچاق و فروش است چرا که بااستناد به آن ثبت حتی در صورت خروج آثار تاریخی از کشور می‌توان آنها را به ایران بازگرداند.

«تخریب خانه تاریخی تبریز

در هفته میراث فرهنگی آخرین خانه تاریخی خیابان بهار تبریز نیز تخریب شد و یکی از دوستداران میراث تبریز، فیلم لحظات تخریب آن را در اینستاگرام منتشر کرد اما اداره میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی در این باره هیچ واکنش نشان نداد. خانه تاریخی حاج خلیل قره باغی مربوط به اواخر دوره قاجار بود. این خانه در خیابان بهار و نبش کوچه شهید جوادی فام قرار داشت. شاخه‌های تزئینی این خانه آجرکاری‌های بسیار زیبا در سردر و دو نمای اصلی و گچری‌های ستون‌ها در داخل بنا بود. خانه‌ای که به دست خود حاج خلیل قره باغی معمار و بنا ساخته شده بود. حاج خلیل مرد با ایمان و مهربانی بود که بدون هیچ چشم داشتی موتور خانه‌های مسجد سفید را در ایام پیری تعمیر می‌کرد. خانه با یک سردر باشکوه آجرکاری که کمی از کد در پایین قرار داشت وارد یک هشتی می‌شد و از دالان به حیاط هدایت می‌شد. در دو بخش شمالی و جنوبی ساختمان و حیاط در وسط قرار داشت. نمای اصلی (جنوبی) دو طبقه و نمای شمالی نیز طبقه همکف و زیرزمین را شامل می‌شد که با این مشخصات هرگز در فهرست آثار ملی قرار نگرفت.

مانند شکایت کیفری کذب یا اعلام جرم بی‌اساس نیز، اگر سوءنیت و عمد در تخریب ثابت شود، افترا محقق خواهد شد. هر چند که افترا نیازمند رسیدگی قضایی دقیق است تا مرز میان شکایت مشروع و نسبت ناروا به‌درستی تفکیک شود. از نگاه فقه اسلامی نیز، حفظ آبروی مؤمن از اعظم واجبات است. امام علی (ع) فرمودند: «عرضی العرب دینه» یعنی حیثیت انسان، دین اوست. از این رو، قواعد هدایت همچون «لا ضرر» و «حرمة عرض المسلم» در کنار اصول حقوقی مثل اصل برائت، پایه‌های ممنوعیت افترا را تشکیل می‌دهند. در نهایت، آنچه از جرم افترا خطرناک‌تر است، عادی‌سازی آن در جامعه است. نسبت‌های بی‌کس، بی‌اعتباری بی‌پایه، و فضولت‌های رسانه‌ای، همه می‌توانند آبروهای بسیاری را هدف قرار دهند. راه مقابله، نه فقط برخورد کیفری، بلکه ترویج فرهنگ گفت‌وگوی مسئولانه و رعایت اخلاق در نقد و اظهار نظر است.

پتانسیل به‌درستی به کار گرفته نمی‌شود. این ضعف، فرصت اطلاع‌رسانی گسترده و تأثیرگذار را از هفته میراث فرهنگی سلب می‌کند. برای رفع چالش‌ها و تقویت جایگاه هفته میراث فرهنگی، چند پیشنهاد کلیدی می‌تواند راهگشا باشد. نخست، افزایش تعامل با انجمن‌های مردم‌نهاد (NGO) ها می‌تواند مشارکت اجتماعی را به سطحی جدید ارتقا دهد. این انجمن‌ها، با دانش محلی، انگیزه بالا و ارتباط نزدیک با جوامع بومی، می‌توانند در اجرای برنامه‌ها، نظارت بر پروژه‌های مرمتی و جلب حمایت‌های مردمی نقش مؤثری ایفا کنند. ایجاد بستری برای همکاری پایدار میان نهادهای دولتی و این انجمن‌ها، گامی عملی در این مسیر خواهد بود. دوم، توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، می‌تواند به تربیت نسلی آگاه و متعهد به حفاظت از میراث فرهنگی منجر شود. برگزاری کارگاه‌های عملی، طراحی بازی‌های آموزشی با محوریت تاریخ و فرهنگ و سازمان‌دهی تورهای هدفمند برای دانش‌آموزان، نمونه‌هایی از اقداماتی هستند که می‌توانند حس تعلق و مسئولیت را در نسل آینده تقویت کنند. سوم، شفاف‌سازی عملکرد دستگاه‌های مسئول از طریق انتشار گزارش‌های منظم و قابل‌دسترس، نه‌تنها اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد، بلکه امکان نظارت همگانی بر پروژه‌های مرمتی را فراهم می‌کند. راه‌اندازی یک سامانه دیجیتال برای ارائه اطلاعات به‌روز درباره وضعیت آثار تاریخی، پیشرفت پروژه‌های مرمتی و هزینه‌های صرف‌شده، می‌تواند گامی موثر در این راستا باشد. هفته میراث فرهنگی، آینه‌ای است که هویت ایرانی را در قاب تاریخ به نمایش می‌گذارد. این رویداد، با تکیه بر نقاط قوت خود، مانند نوآوری، تنوع برنامه‌ها و تقدیر از فعالان، پتانسیل آن را دارد که به یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای فرهنگی کشور تبدیل شود. با این حال، رفع چالش‌هایی نظیر کمبود منابع، عدم شفافیت و ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها، مژدم‌زد می‌کند. تنها در سایه این میان نهادهای دولتی، رسانه‌ها، فعالان مدنی و عموم مردم است که می‌توان میراث گران‌بهای این سرزمین را، نه‌تنها برای امروز، بلکه برای نسل‌های آینده نیز حفظ کرد و پاس داشت.



هفت بازی طنز که با شوخی‌های بامزه تجربه‌ای متفاوت خلق کرده‌اند

بخند و همزمان بازی کن

لوبیاهایی که از خنده به زمین می‌خورند، گوسفندهایی که فرقه دارند، بازیکنی که با طنز می‌جنگد و اسلحه‌هایی که جوک می‌گویند

ملک میرمهدی
هفت‌صبح

در روزگاری که بازی‌ها برای بردن جوایز و جلب توجه گیمرها، رقابت سرسختی بر سر واقع‌گرایی، گرافیک و داستان دارند، برخی سازندگان مسیر متفاوتی را انتخاب کرده‌اند: ساختن جهان‌هایی که خنده را به لب گیمر می‌آورند! از لوبیاهای کله‌خواب و شلوغ‌پلوغ تا اسلحه‌هایی که بیشتر از شخصیت اصلی شوخی می‌کنند، از تاکسی‌سواری در تهران شلوغ تا گوسفندانی که فرقه راه انداخته‌اند، دنیای بازی‌های طنز در این پنج سال، یکی از شگفت‌انگیزترین و بامزه‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشته است. در این گزارش، شمارا با هفت بازی آشنا می‌کنیم که علاوه بر مهارت و سرعت عمل، بلکه قدرت خندیدن و لذت بردن از شوخی‌های ریز و درشت را هم به چالش می‌کشند. آماده‌اید بخندید؟



FALL GUYS: ULTIMATE KNOCKOUT

بازی **Fall Guys: Ultimate Knockout** یک عنوان کژوال بتل رویال است که در آگوست ۲۰۲۰ توسط استودیو Mediatonic توسعه یافت و ابتدا توسط Devolver Digital برای پلی‌استیشن ۴ و ویندوز منتشر شد. در گیمرپلی این بازی، تا ۶۰ بازیکن به شکل همزمان کنترل شخصیت‌های بامزای (شبه لوبیای لاستیکی) را برعهده دارند و در مسابقات فیزیکی متنوع و پرازمانع شرکت می‌کنند. در هرراند گروهی، بازیکنان می‌دوند، می‌پرند و گاهی به صورت خنده‌داری روی سر یکدیگر می‌افتند تا به مراحل بعدی برسند. این برخورد‌ها و سقوط‌های مداوم دقیقاً همان چیزی هستند که Fall Guys را به یک کمدی اسلپ‌استیک تبدیل می‌کنند؛ به‌طوری‌که نشریه Inverse توصیف می‌کند «شخصیت‌ها روی یکدیگر می‌غلطند، مثل نمایش کمدی گروه سه‌کله‌پوک (Three Stooges)». موسیقی شاد و رنگین‌کمانی بازی، همراه با امکان پوشیدن لباس‌های عجیب‌وغریب (مانند موز یا سوسیس هات‌داگ) بر جنبه فانتری و خنده‌آور بازی افزوده است.

Fall Guys به سرعت به یک پدیده جهانی تبدیل شد. ظرف هفته‌های اولیه انتشار، بیش از ۱۱ میلیون نسخه از آن فروخته شد. این بازی چندین جایزه معتبر هم کسب کرد؛ برای مثال در Golden Joystick Awards ۲۰۲۰ برنده جوایز «بهترین بازی چندنفره» و «بهترین بازی خانوادگی» شد و در مراسم The Game Awards ۲۰۲۰ جایزه «بهترین پشتیبانی از جامعه گیمرها» را برد. علاوه بر فروش بالا، تعامل خلاقانه سازندگان با جامعه کاربری از طریق شبکه‌های اجتماعی نیز عاملی در محبوبیت Fall Guys بود. Inverse می‌نویسد تیم سازنده با اتخاذ هوشی طنزآلود در تویتر، فضای بازی را به «بهشت میم‌بازها» تبدیل کرد که در آن صدها میم جذاب منتشر شد. Fall Guys با طراحی مراحل خنده‌دار، جوک‌های فیزیکی و جامعه کاربری شوخ، تجربه‌ای مفرح و متفاوت از بتل رویال ارائه داد.

HIGH ON LIFE



یک **High on Life** بازی تیراندازی اول شخص علمی-تخیلی کمیک است که در دسامبر ۲۰۲۲ توسط استودیوی Squanch Games (متعلق به جاستین رایلند، خالق سریال «ریک و مورتی») منتشر شد. خود سازندگان این بازی آن را یک «تیراندازی علمی-تخیلی خنده‌دار و بی‌پروایانه» توصیف کرده‌اند. در این بازی داستان حول مبارزه با یک کارتل فضایی می‌چرخد که انسان‌ها را به‌عنوان مواد مخدر فروش نشان می‌دهد و اسلحه‌های زنده و گفتاری قهرمان داستان با لهجه‌های بامزه و دیالوگ‌های پر تعداد، شوخی‌های فراوانی به بازی تزریق می‌کنند. برای مثال، هر اسلحه قابلیت‌های عجیبی دارد (مثل پرتاب گلوله چسبنده یا جاقوی صحبت‌کننده با لهجه استرالیایی) و حتی بازی بازیکن با شوخی‌های تند و کنایه‌های بی‌وقفه مواجه می‌شود که یادآور کمدی سیاه آثار Suda51 است. اگرچه برخی منتقدان ایرادات فنی بازی اشاره کردند اما استقبال بازیکنان چشمگیر بود؛ مایکروسافت آن را یک «موفقیت بزرگ» نامید و معاون بازار بازی ایکس‌باکس از آن به‌عنوان یک «شگفتی (breakout hit)» یاد کرد. این بازی حتی در روز عرضه جزو پرفروش‌ترین بازی‌های استیم شد. این آمار نشان می‌دهد شوخ‌طبعی صریح و طراحی خلاقانه گیمرپلی High on Life توانسته بازیکنان زیادی را به خود جذب کند.

CULT OF THE LAMB



حال داستانی درگیرکننده، نقد نرم و کنایه آمیز از جوامع فرقه‌ای ارائه می‌دهد. منتقدان عملکرد بازی را ستودند و این عنوان نامزد چندین جایزه معتبر شد؛ از جمله سه نامزدی در جوایز بازی بریتانیا (BAFTA) که در میان آنها نامزد «بهترین بازی» نیز دیده می‌شود. این موفقیت‌ها نشان می‌دهد ترکیب بی‌نظیر گیمرپلی چالش برانگیز و فضای طنز آلود **Cult of the Lamb** توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است.

مذهبی برگزار می‌کند و حتی در صورت لزوم برخی از پیروان را قربانی می‌کند. طنز این بازی بیش از هر چیز در تضاد میان شخصیت پردازی بامزه گوسفند‌ها و آیین‌های خشن فرقه است؛ مثلاً آشامیدن نوشیدنی‌های مذهبی یا دادزدن شعارهای غیرمنطقی، در فضای کار تونی و شادگونه نمایش داده می‌شود. به بیان دیگر، **Cult of the Lamb** یک کمدی سیاه (شوخی جلب رضایت آن‌خدا، با پیروان گوسفندک خود یک فرقه تشکیل می‌دهد، مراسم

Cult of the Lamb (فرقه بـره) یک بازی روگ لایک و شبهه‌ساز ساخت مدیریّت فرقه است که در آگوست ۲۰۲۲ توسط استودیوی استرالیایی Massive Monster توسعه یافت و با انتشار شرکت Devolver Digital عرضه شد. در این بازی، بازیکن نقش یک بـره مرموز را برعهده دارد که پس از نجات از مرگ، باید به یک خدای شیطانی خدمت کند. برای جلب رضایت آن‌خدا، با پیروان گوسفندک خود یک فرقه تشکیل می‌دهد، مراسم

HEY TAXI



یکی از نمونه‌های ایرانی در لیست، بازی‌هی تاکسی است که توسط استودیو گلیم گیمر توسعه یافته است. این بازی اندرویدی سبک تفننی دارد و در نسخه دوم خود (به‌روز شده در سال ۱۴۰۳) رانندگی در خیابان‌های تهران را شبیه‌سازی می‌کند. تفاوت خنده‌دار بازی در دیالوگ‌های طعنه‌آمیز با مسافران نهفته است. مایکت در معرفی نسخه جدید آن می‌پرسد «یادتونه؟ اولین بازی تاکسی‌رانی ایرانی؟ به عالمه دیالوگ‌های بامزه؟»، اشاره به گفت‌وگوهای طنزآمیز بی‌شمار بازی دارد. همچنین رسانه‌های فارسی‌زبان نوشته‌اند «دیالوگ‌های طنز و جالبی شیده می‌شود که جذابیت روند بازی را دوچندان کرده است». در گیمرپلی ساده **Hey Taxi**، بازیکن با کشیدن انگشت روی صفحه باید تاکسی را هدایت کند و مسافران را به‌مقصد برساند و در این میان با موقعیت‌های کمیک (مثل تصادف‌های خنده‌آور) مواجه می‌شود. این بازی در جامعه گیمرهای ایرانی طرفداران خود را دارد و کسانی که آن را تجربه کرده‌اند، گرافیک ساده و طنز مکالماتش را سرگرم‌کننده توصیف می‌کنند.



RETURN TO MONKEY ISLAND

Return to Monkey Island (بازگشت به جزیره میمون‌ها) یک بازی ماجراجویی کلیک‌وآشاره است که در سال ۲۰۲۲ توسط استودیوی Terrible Toybox منتشر شد. این بازی دنباله داستانی فرانچایز کلاسیک «جزیره میمون» است و همان سبک کمیک‌ماجراجویانه همیشگی را دنبال می‌کند. در این نسخه، بازیکن دوباره در نقش گای برش تری‌وودپ (یه دزد دریایی بامزه) قرار می‌گیرد و باید معماهای خنده‌دار متعدد بازی را حل کند. جوک‌های زبانی بازی زیانزد است؛ منتقدان نوشته‌اند «بازگشت به جزیره میمون‌ها درست به‌اندازه همیشه خنده‌دار است.» و سرشار از «طنزهای واژمبازی چشم‌غرمای و جمله‌های شوخ» است. علاوه بر شوخی‌های واژه‌ای، بازی دیالوگ‌های نیشدار و اشاره‌های طنزآمیز به رویدادهای جاری (مثلاً معضلی مشابه کرونا) دارد که جذابیت زیادی ایجاد می‌کند. گرافیک کارتون‌ی و شخصیت‌های بامزه (مانند یک زن جادوگر قدیمی خرقه‌خور) به این کمدی ماجراجویانه رنگ و لعاب می‌دهد.



NO MORE HEROES III

No More Heroes III قسمت سوم از سری بازی‌های اکشن‌ماجراجویی «نوامور هیروز» است که در سال ۲۰۲۱ توسط Grasshopper Manufacture (گرداننده: گوئچی سِدا) منتشر شد. این سری به خاطر کمدی اغراق‌آمیز و شوخی‌های لوده‌ش را می‌شناسند و NMH۳ نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این بازی بازیکن کنترل ترویس تاج‌داون را به عهده می‌گیرد؛ یک قاتل خوش‌هیكل و خنگ که عاشق انیمه و بازی‌های ویدئویی است. گیمرپلی ترکیبی از مبارزه با باس‌های دیوانه‌وار و مراحل جانبی طنز دارد. شوخ‌طبعی NMH۳ در شوخی‌های مکرر با فرهنگ عامه، طراحی اغراق‌شده دشمنان (مثلاً ملکه‌های فرازمینی فانتری) و دیالوگ‌های پست و لوده‌گرانه جلوه می‌کند. یک منتقد Inverse اشاره کرده که او هنوز هم «از جوک‌های تند بازی می‌خندد»، به این معنا که شوخی‌های بی‌برده بخش مهمی از تجربه را تشکیل می‌دهد. اگرچه برخی آن را بیش از حد تکراری می‌دانستند، دوستداران سبک خاص این مجموعه «جزیره‌احتمق» و درک شوخ‌طبعانه کارگردان را ستودند.

mim

بازی میم (**MIM**) یک عنوان ماجراجویی پازل ایرانی است که دو توسعه‌دهنده مستقل، رامون طالع و محمدجواد خداپخش، آن را ساخته‌اند و آخرین نسخه آن در شهریور ۱۴۰۳ منتشر شده است. مزیت مهم میم این است که اساساً حول شوخی با میم‌های ایرانی شکل گرفته است. «میم یک بازی ماجراجویی به سبک پازل است که با میم‌های ایرانی شوخی می‌کند» و وعده می‌دهد با گرافیک کارتون‌ی خود «لحظات شادی می‌سازد و لیخند را بر لب شما می‌آورد». در این بازی گیمر باید معماهای خلاقانه و متعددی را حل کند که در مراحل مختلف مملو از تصویرها و موقعیت‌های طنز اینترنتی ایرانی هستند. بدین ترتیب هر مرحله حکم یک پازل معمایی را دارد که در فرم میم‌های آشنا گنجانده شده است. این خلاقیت محلی باعث شده **Mim** حتی پیش از عرضه نقدهای مثبتی دریافت کند؛ به‌عنوان نمونه در کافه‌بازار نمره بالا و نظر مثبت کاربران به گیمرپلی بامزه آن اشاره شده است. گرچه **MIM** نسبت به عناوین بزرگ بین‌المللی کوچک است، اما از لحاظ خلاقیت شوخی و طنز بومی در دسته بازی‌های ایرانی شایسته توجه است.



صنعت آلمان در چنگال برق گران

دولت جدید با وعده کاهش ۵ سنتی قیمت برق به ازای هر کیلووات ساعت، به میدان آمده تا از فرار شرکت های آلمانی به خارج جلوگیری کند

در آستانه انتخابات فوری به آلمان، زنگ خطر برای صنایع این کشور به صدا درآمد. رهبران صنعتی هشدار دادند که قیمت های سرسام آور برق، بقای شرکت ها را تهدید می کند و بسیاری در حال برنامه ریزی برای ترک آلمان هستند. به گزارش دوپچهوله، حالا دولت ائتلافی جدید، متشکل از اتحاد دموکرات مسیحی/سوسیال مسیحی و سوسیال دموکرات ها به رهبری صدراعظم فریدریش مرتر، طرحی جسورانه برای کاهش قیمت برق صنایع ارائه کرده است. اما این طرح، موافقان و منتقدانی دارد که نگران تبعات آن بر بازار و اهداف اقلیمی هستند.

بحران قیمت برق در آلمان

بر اساس داده های اخیر اتحادیه اروپا، آلمان در سال ۲۰۲۴ با متوسط قیمت ۲۰ سنت یورو به ازای هر کیلووات ساعت، سومین کشور گران در زمینه برق غیر خانگی (شامل صنایع و نهادهای عمومی) در این بلوک بود. این در حالی است که در آمریکا، شرکت ها تنها ۷ سنت و در چین حدود ۸ سنت به ازای هر کیلووات ساعت پرداخت می کنند. این شکاف قیمتی، صنایع انرژی بر آلمان مانند فولاد، مواد شیمیایی و کاغذ را در رقابتی نابرابر با رقبای جهانی قرار داده است. به گفته آخیم درکس، معاون مدیر گروه صنعتی اتاق بازرگانی و صنایع آلمان (DIHK)، قیمت های بالای انرژی، آلمان را به «غیر رقابتی ترین» قطب تولید در اروپا و جهان تبدیل کرده است.

طرح نجات دولت آلمان

دولت جدید آلمان قصد دارد با کاهش مالیات برق به حداقل مجاز اتحادیه اروپا، حذف برخی

هزینه های اضافی و کاهش هزینه های شبکه، قیمت برق صنعتی را تا ۵ سنت به ازای هر کیلووات ساعت کاهش دهد. همچنین برنامه جبران قیمت کربن (pricing CO۲) برای صنایع انرژی بر گسترش خواهد یافت تا هزینه های ناشی از استفاده از سوخت های فسیلی کاهش یابد. این طرح، به ویژه برای شرکت هایی مانند کارخانه ریخته گری لوسنیتز که مدیر عاملش، مکس یانکوفسکی، قصد دارد کوره های زغالی را با کوره های برقی جایگزین کند، می تواند ناجی باشد اما یانکوفسکی می گوید: «با قیمت های فعلی برق، ادامه این کار مثل دویدن به سمت تیغ ارس است.»

مقایسه با فرانسه و آمریکا

در فرانسه که ۷۰ درصد برق خود را از انرژی هسته ای تأمین می کند، دولت پاریس با توافق با شرکت ای دی اف، قیمت متوسط برق هسته ای را از سال ۲۰۲۶ به ۷۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت (حدود ۷ سنت به ازای کیلووات ساعت) ثابت کرده است. این اقدام که به گفته کارشناسان، نوعی سقف قیمتی ضمنی برای قراردادهای آینده ایجاد می کند، به صنایع فرانسه برتری رقابتی چشمگیری بخشیده است. در آمریکا نیز، قانون کاهش تورم با ارائه یارانه های سبز و معافیت های مالیاتی، هزینه های انرژی را برای صنایع به شدت کاهش داده و باعث شده شرکت هایی مانند نورثولت، سرمایه گذاری در آمریکا را به آلمان ترجیح دهند.

چالش های طرح آلمان

هر چند کاهش قیمت برق از دید مصرف کنندگان صنعتی خوشایند است، اما

نشان دهند. دکتر ازکیل امانول، انکولوژیست و مشاور سابق بایدن، با صراحت گفت این سرطان از همان سال های کاخ سفید همراه او بوده است. کتاب جنجالی «گناه اصلی» نوشته جیک تیر و الکس تامپسون نیز ادعا می کند نزدیکان بایدن، ضعف جسمی و شناختی او را از چشم مردم دور نگه داشتند. اما سخنگوی بایدن پاسخاری کرد که او تا پیش از این تشخیص، تنها یک بار در سال ۲۰۱۴ آزمایش پروستات انجام داده و هیچ نشانی از سرطان نداشته است. این تناقض ها، هیاهویی سیاسی را شعله ور کرد که هنوز فروکش نکرده است.

تئوری های توطئه: از اتهام تا رسوایی

جنجال ها وقتی اوج گرفت که لئو ترل، مشاور ارشد وزارت دادگستری، در حرکتی بی سابقه، جیل بایدن را به «مخفی کاری و آزار سالمندان» متهم کرد. او مدعی شد جیل، با علم به وخامت حال همسرش، او را در معرض فشار های طاقت فرسای انتخاباتی قرار داده و جو بایدن را مجبور کرده تا به عنوان نامزد حزب دموکرات در رقابت های ریاست جمهوری ۲۰۲۴ شرکت کند. دونالد ترامپ جوینور هم در ایکس، با ادعای نادرست «سرطان مرحله پنج» (در حالی که سرطان تنها چهار مرحله دارد)، به این آتش افزود. با داغ تر شدن بحث و جدل ها، ویدیویی از سخنرانی بایدن در سال ۲۰۲۲ در ماساچوست که در آن از «بیماری

جو بایدن ۸۲ ساله، روز ۱۶ می ۲۰۲۵ با خبری تکان دهنده روبه رو شد: سرطان پروستات پیشرفته (مرحله چهارم، گلیسون ۹) که به استخوان هایش سرایت کرده است. این بیماری پس از ظهور علائم ادراری و کشف گره ای مشکوک در معاینه ای معمول شناسایی شد. دفتر بایدن اعلام کرد این سرطان هورمون حساس است و با درمان های پیشرفته، از هورمون درمانی تا شیمی درمانی، می توان آن را مهار کرد. هر چند علاج قطعی در کار نیست، کارشناسان می گویند بایدن می تواند سال ها با کیفیتی قابل قبول به زندگی ادامه دهد. موجی از همدردی از سراسر جهان به سوی او سرازیر شد؛ از دونالد ترامپ و کامالا هریس تا باراک اوباما و حتی شاه چارلز سوم که خود نیز به همین بیماری مبتلا شده و تحت درمان است، همه پیام های حمایت فرستادند. اما این همدردی ها نتوانست طوفان جنجال های سیاسی را آرام کند.

شایعات پنهانکاری: آتش زیر خاکستر

تشخیص دیر هنگام سرطان بایدن که به احتمال فراوان سال ها در بدنش لانه کرده بود، جرقه ای برای گمانه زنی های داغ و جنجالی شد. آیا تیم بایدن این بیماری را در دوران ریاست جمهوری اش (۲۰۲۱-۲۰۲۵) پنهان کرده بود؟ متحدان دونالد ترامپ، از جمله پسرش، دونالد جونیور، با طعنه و کنایه، تیم بایدن را به مخفی کاری متهم کردند تا او را برای انتخابات ۲۰۲۴ همچنان «سالم و قوی»

منتقدان هشدار می دهند که این طرح می تواند به ثبات بازار و اهداف اقلیمی آسیب بزند. سوانتیه فیدلر، مدیر علمی انجمن اقتصاد بازار زیست محیطی-اجتماعی، معتقد است که کاهش یکبار چه قیمت برق با نیاز های یک سیستم مبتنی بر انرژی های تجدید پذیر در تضاد است. لئونارد پروبست، از مؤسسه فراون هوفر نیز هشدار می دهد که قیمت گذاری ارزان در زمان کمبود برق می تواند به افزایش قیمت ها منجر شود. علاوه بر این، سیاستن بولای، از اتاق بازرگانی و صنایع آلمان، معتقد است که سقف گذاری روی قیمت برق ممکن است با قوانین کمک دولتی اتحادیه اروپا مغایرت داشته باشد. این قوانین که تا پایان ۲۰۲۵ برای حمایت از فناوری های سبز تمدید شده اند، اجازه یارانه های گسترده را می دهند اما مداخله در قیمت گذاری بازار را محدود می کنند.

آینده ای سبز یا پرهزینه؟

کارشناسان بر این باورند که گسترش سریع انرژی های تجدید پذیر، مانند خورشیدی و بادی که در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۵۴.۴ درصد از تقاضای برق آلمان را تأمین کردند، می تواند قیمت ها را در بلندمدت کاهش دهد اما این امر نیازمند سرمایه گذاری هنگفت در شبکه های هوشمند، ذخیره سازی انرژی و زیر ساخت های هیدروژنی است. در فرانسه، یارانه های هسته ای و در آمریکا، مشوق های مالیاتی، مسیر متفاوتی را برای کاهش هزینه های انرژی صنعتی رقم زده اند. در آلمان اما تعادل بین حمایت از صنعت و حفظ اهداف اقلیمی، چالشی است که دولت جدید باید با دقت آن را مدیریت کند.

جیوتیان، مادر پهپادها

هوایپمای بدون سرنشین چینی

با توانایی رها کردن ۱۰۰ پهپاد در آسمان

انقلابی در جنگ های مدرن رقم می زند



پهپادهای کوچک، سامانه های دفاع هوایی دشمن را فلج کند. ویدئویی در شبکه ایکس، توانایی جیوتیان در تراب همزمان پهپادها از دو طرف بدنه را به نمایش گذاشته و نشان دهنده برتری فنی آن است. این هوایپما همچنین برای مأموریت هایی چون دفاع مرزی، حمل و نقل امن، عملیات جاسوسی و امداد اضطراری طراحی شده و رقیبی جدی برای جیوتیان نه تنها سسکوی پر تاب پهپادها، بلکه مرکز پهپادهای آمریکایی مانند شاهین جهانی (RQ-۴ Global Hawk) و دروگر (MQ-۹ Reaper) محسوب می شود.

چین در حوزه پهپادهای نظامی پیشتاز است و جیوتیان تنها یکی از نوآوری های این کشور است. دیگر پهپادهای برجسته شامل بمب افکن مخفی سسی-اچ ۵ (CH-۵)، عقاب الهی (WZ-۹) و Divine Eagle) برای رصد راداری در ارتفاعات بالا و پهپاد نظارتی دبلیوز-۷ (WZ-۷) با سرعت هایپر سونیک هستند. جیوتیان اما با پیچیدگی های

هوایپمای بدون سرنشین «جیوتیان» (Jiu Tian)، ملقب به «مادر پهپادها»، گامی بلند در فناوری نظامی چین محسوب می شود. این هوایپما، طراحی شده توسط شرکت دولتی صنایع هوانوردی چین و ساخته شده توسط شرکت شی آن چیدا، قادر است ۱۰۰ پهپاد کوچک یا ۶ تن مهمات، از جمله موشک های کروزر را حمل کند. با برد پروازی ۷ هزار کیلومتر و توانایی پرواز در ارتفاع ۱۵ هزار متری، جیوتیان نه تنها سسکوی پر تاب پهپادها، بلکه مرکز کنترل آنها پس از رها شدن است. این هوایپما که در نمایشگاه هوایی ژوهای نوامبر ۲۰۲۴ رونمایی شد، به دلیل قابلیت های بی سابقه اش به ناو هوایپما بر پرنده تشبیه شده و هیچ مشابهی در جهان ندارد. جیوتیان در بستر افزایش اهمیت جنگ پهپادی در درگیری های مدرن، از سودان و یمن تا اوکراین و جنوب لبنان و سرزمین های اشغالی، توسعه یافته است. این هوایپما می تواند با رها کردن آنبوهی از

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



«نبرد قبیله ها» در نتفلیکس!

نتفلیکس با همکاری سوپرسل، غول بازی سازی، سریالی انیمیشنی از دنیای پر هیجان «نبرد قبیله ها» (Clash of Clans) می سازد. این سریال که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده، داستان یک بربر مصلح را روایت می کند که برای دفاع از دهکده اش در برابر هجوم دشمنان می جنگد. پروژه در مرحله پیش تولید است و «فلچر مولز» به عنوان کارگردان و «ران وایتر»، نویسنده سریال های معروفی چون «رشد متوقف شده» و «فیوچوراما»، سرپرست نویسندگان آن معرفی شده اند. بازی «نبرد قبیله ها» که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، به همراه «نبرد شاهانه» (۲۰۱۶)، از محبوب ترین بازی های موبایلی جهان اند. این بازی ها تاکنون بیش از ۴ میلیارد بار دانلود شده و بازیکنان ۱۸۰ میلیارد ساعت را صرف آن کرده اند.

بر اساس گزارش ها، شرکت سوپرسل روزانه تا ۵ میلیون دلار از «نبرد قبیله ها» در آمد داشته و تنها در سال ۲۰۱۴، درآمدی بالغ بر ۱.۷ میلیارد دلار از این بازی و دیگر عناوینش کسب کرده است. در ایران نیز این بازی با استقبال گسترده ای مواجه شده و گفته می شود تا سال ۹۴، حدود ۶ میلیون نفر در بازه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال به آن مشغول بوده اند اما این محبوبیت با خروج ۱۳۲ میلیارد تومان ارز از کشور برای خریدهای درون برنامه ای همراه بوده است. این سریال که با همکاری استودیو آی یکن کریتیو تولید می شود، نوید تجربه ای هیجان انگیز را در دنیای جنگ قبیله ها می دهد.



آغاز کار با فدراسیون

آذرماه ۱۴۰۲ بود که خواستند من به عنوان تکنیکال دایرکتور در فدراسیون فوتبال کار کنم. من هم رفتم تحقیق کردم. تکنیکال دایرکتور قبلا فقط یک اسم بود و من دوست داشتم بدانم هویتش چیست. در اولین اقدام از خود فدراسیون پرسیدم و سپس متون فیفا را مطالعه کردم. بر همین اساس چارتی را نوشتم و آوردم در جلسه‌ای با حضور مسئولان فدراسیون گفتم که از نظر فیفا تکنیکال دایرکتور این است و چنین اختیاراتی دارد. آنجا هم اختیارات و شرح وظایف را پذیرفتند و کارم را شروع کردم. بعد از شروع کار به مرور به سراغ بخش‌هایی که طبق چارت در دستور کار و زیرمجموعه کاری تکنیکال دایرکتور بود، رفتم که بسا مقاومت افراد و مقامات اجرایی فدراسیون مواجه شدیم. کار به اینجا رسید که گفتند اصلا چنین چیزی در اساسنامه فدراسیون فوتبال نداریم. جالب است که خودشان تکنیکال دایرکتور آوردند آن هم در حالی که در اساسنامه نیست.

تکنیکال دایرکتور در فوتبال جهان

سال قبل فیفا در مالزی، سمیناری برگزار کرد در خصوص تکنیکال دایرکتور و وظایف او و درواقع به دیدگاه من در این رابطه صحنه گذاشت. آنجا گفته شد که تمام امورات فنی فوتبال یک کشور زیرمجموعه تکنیکال دایرکتور است. فیفا با این مضمون اعلام کرد که تکنیکال دایرکتور درواقع دبیرکل فنی فوتبال هر کشور است. من هم اینظوری فکر می‌کردم اما وقتی آمدیم دیدیم که از نظر نظام تشکیلاتی اصلا چنین پستی در فدراسیون فوتبال ایران وجود ندارد.

تجربه کار در فدراسیون

کار در فدراسیون در این مدت تجربه بسیار جدیدی بود. من ۴۴ سال کار مربیگری کرده بودم. وقتی فدراسیون به من پیشنهاد داد، گفتم در این بخش کار خودم را کرده‌ام، حالا می‌خواهم در حوزه‌ای دیگر اثرات بهتری بگذارم. اما در این ۱۵-۱۶ ماه به تجربیاتی رسیدم که در هیچ کدام از آن سال‌ها نرسیده بودم. الان می‌توانم بگویم فوتبال ما با این همه ظرفیت، چرا اینجاست؟ بعضی چیزها هست که نمی‌خواهم آنها را بگویم تا فضا متشنج نشود. در هر صورت، تجربیات بسیار باارزشی بود.

شرایط تیم‌های ملی

من قبلا هم در برنامه‌هایی که داشتم گفته‌ام: تجربه من می‌گوید مسیری که فوتبال در آن است، مسیر درستی نیست. من به شخصه اصلا به آینده امیدوار نیستم. در رده بزرگسالان گروهی داریم - بازیکنان و کادر فنی - که این گروه، در این فضا بار فوتبال را تا اینجا خیلی خوب جلو آورده‌اند. ولی من نمی‌دانم در همین فضا، با اولین باخت چه بر سرشان می‌آید. و این چیزی است که باید نسبت به آن نگران باشیم. می‌گویند این تیم ملی محبوبیت ندارد؟ بله اما دلیل دارد. این تیم ملی و این کادر فنی، به‌واسطه یک‌سری مسائل اجتماعی و سیاسی که داشتیم، با شرایط خاصی روبه‌رو شدند. برخی مسئولان خوب عمل نکردند و اینها را از مردم جدا کردند. می‌شد این فضا را خیلی بهتر مدیریت کرد. از نظر فنی، این گروه باید چه کاری می‌کرد؟ کارش را خوب جلو آورده. تیم باهم متحد است. یکی می‌رود و یکی می‌آید. یک تیم باید چه کار کند؟ ما از آینده ناامید و نگرانیم. دلایل زیادی وجود دارد و این دلایل خارج از اختیار این گروه است. الان یک بازیکن ۳۶ ساله از بقیه بهتر است. هر کسی مربی باشد، می‌خواهد تیمش بهتر باشد. چرا برای آینده نگرانیم؟ به خاطر موضوعات دیگر. باید جایگزین‌ها را تربیت می‌کردیم. باید برنامه می‌داشتیم. همه دنیا دارند. این گروه، تیم ما را تا جام جهانی می‌تواند جلو ببرد؛ نگرانی ما برای بعد از جام جهانی است.

روایت بی‌پرده مجید جلالی از پشت‌صحنه فوتبال ایران

فقط علی دایی را انتخاب می‌کنم



امید ذاکری نیا
دبیر سرونس ورزش

مجید جلالی، مربی با سابقه فوتبال ایران، بعد از حدود یک سال حضور در فدراسیون فوتبال به عنوان مدیر فنی از این سمت استعفا داد. او قصد بازگشت به فدراسیون را ندارد؛ هر چند از عشق و علاقه‌اش به برنامه‌ریزی برای پیشرفت فوتبال و رشد استعدادها و مربیگری هنوز ذره‌ای کم نشده است. او را به دلیل سابقه معلمی‌اش به نام «آقا معلم» فوتبال ایران می‌شناسند و واقعیت این است که او همین روحیه را بعد از سال‌ها حضور در سطح اول فوتبال کماکان حفظ کرده است. این مربی با سابقه و شناخته‌شده فوتبال ایران، در گفت‌وگویی صریح و مفصل از تجربه حضورش به عنوان تکنیکال دایرکتور فدراسیون، چالش‌های ساختاری فوتبال کشور، نقش رسانه‌ها، مشکلات تیم‌های ملی و آینده فوتبال پایه صحبت کرد. جلالی صادقانه و بی‌پرده، فوتبال را از خرافات تا فساد، از امیدهای سوخته تا پروژه‌های ناتمام، از رسانه‌های زرد تا استعدادهای رهاشده به نقد می‌کشد.

کار کردن با

بازیکنان بزرگ

اگر بخواهم از میان تمام بازیکنان بزرگی که با آنها کار کرده‌ام یک نفر را انتخاب کنم، فقط علی دایی را انتخاب می‌کنم.

آشغال‌ها زیر فرش

فرض کنید خانهای دارید که هر روز جارویش می‌کنید اما تمام آشغال‌ها و کثیفی را می‌گذارید زیر فرش! حساب کنید ۲۰ سال است که این اتفاق می‌افتد. فکر می‌کنید خانه تمیز شده ولی این خانه تبدیل به باتاقتی از زباله شده است. اینکه ما توی رسانه‌های مان برنامه‌های زرد داشته باشیم که به حاشیه‌بیزدازد، نوعی نیاز جامعه است. اما اینکه تمام برنامه‌ها بر این اساس باشد، فاجعه است. هیچ چیز متفاوتی نمی‌بینید. هیچ نکته امیدوارکننده یا اشاعه محبتی نیست. کیست که اشاعه دوست داشتن کند؟ می‌توان یک‌جور بهتر این فوتبال را دید. متأسفانه امروز هر چه می‌بینیم اشاعه نفرت است. تغذیه نفرت است. بنابراین به نظر من شرایط در حال حاضر فاجعه است. سال‌هاست این روند آغاز شده و نمی‌دانم تا کجا می‌خواهد پیش رود.

از قهرمانی تا چالش‌ها

مجید جلالی زمانی در فوتبال ایران یک اسسم مهم به‌شمار می‌آمد. او به عنوان یک مربی جوان و نوگرا مطرح و توانست پاس را به مقام قهرمانی برساند. سپس بیش از یک دهه در اوج بود و در تیم‌های مختلفی مربیگری کرد. هر چند این روزها او که زمانی محبوب رسانه‌ها بود با نسل تازه این طیف دچار چالش‌هایی بوده است. خودش در این رابطه می‌گوید: «همیشه حتی در وحدت هم که بودم، در زمین خاکی سعی می‌کردم تمریناتم نوگرایانه باشد. من در همان زمین خاکی تمرینات با وزن را هم گذاشتم. یادم هست جلسه‌ای بود که آقای آبه‌تاسان بر گزار کرد، مربیان قدیمی مسخره می‌کردند، می‌گفتند فوتبال چه کار دارد با دمبل و هالتز؟ وقتی هم به لیگ برتر آمدم، فضای فوتبال ما، فضای سنتی بود. واقعیت این است که فوتبال مثل جامعه سنتی بود و ایده‌های نوگرایانه با مقاومت روبه‌رو می‌شد. آن طیف مخالف برای مانع تراشی سعی‌شان را می‌کردند. از یک جاهایی با تهمت‌های ناروا و بی‌پایه وارد می‌شدند. تقریباً تمامی اقشاری که از طریق سنتی کار را پیش می‌بردند، می‌خواستند ریشه این نوگرایی را بزنند.

ارتباط بازیکنان با مردم

اگر بخواهم از این شرایط خارج شوم همه باید مسئولیت چنین ناهنجاری‌هایی را بپذیریم. شما با یک واقعیت مواجه هستید. مثالی می‌زنم؛ کسی نیست که بخواهم رهنمود بدهم اما به عنوان یک آدم با تجربه در فوتبال و به عنوان برادری بزرگ‌تر، از رسانه‌ها می‌خواهم که خیلی مراقب باشند. وای به روزی که کار غلط نتیجه بدهد. وای به آن روزی که افراد غلط را به واسطه منافع‌شان بالا ببرید و افراد درست را چون نفی ندارند، نابود کنید. در اینجا به رسانه‌ها و اهالی رسانه می‌گویم، در این مسیر که حرکت می‌کنید، پیامدهایش را هم باید بپذیرید. بچه‌های کوچک و نوجوانانی که من در سفرهایم به شهرهای مختلف ایران می‌بینم، چیزی از تحولات پشت‌پرده نمی‌دانند اما نوشته‌ها و برنامه‌ها را می‌بینند و از آن‌ها تأثیر می‌گیرند. فکر می‌کنم همه باید مسئولیت خودمان را بپذیریم. من توقع زیادی ندارم. ۶۸ سالم هست و خیلی زود این سال‌ها تمام می‌شود. فکر می‌کنم اگر به اجتماع و جوان‌ها علاقه‌مندیم، باید سراغ خودمان بیاییم. همه‌مان مسئولیت داریم و رسانه‌ها هم باید این کار را انجام دهند.

هزار میلیارد تومان

الان بخواهیم آسیب‌شناسی کنیم، گردش مالی فوتبال بسیار بالاست و متولیش کاملاً این فضا را اول گرفته‌اند. این فضا ول شده و در اختیار خودش است. مثلاً در کل این کشور بالغ بر ۴ میلیون بچه در مدارس فوتبال و آکادمی‌ها هستند. هر کدام از این بچه‌ها اگر حداقل برای یک سال رقمی دو میلیون تومان هزینه کنند، چیزی در حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی است. این فضا رها شده است. در این فضای پر از پول آدم‌های فرصت‌طلبی هم هستند. هیچ بگیر و ببندی نیست و هر کس هر کاری بخواهد می‌تواند بکند. سیستم ورزش هم خودش را وارد این جریان کرده است. برای مثال وزارت ورزش استادبوم دارد می‌گوید هر کسی بیشتر پول بدهد می‌دهم به او. هر کسی بگیرد باید سه برابر این پول را در بیاورد. این فضا رها شده و وجود چنین مشکلات و چالش‌ها در آن طبیعی است. همه ما که مربی، بازیکن، رسانه، هوادار یا باشگاه‌دار هستیم، یک ظرفیت به حساب می‌آییم. اگر برای بارانی که از آسمان می‌آید راه طراحی کنید باعث آبدانی می‌شود وگرنه سیل خواهد شد و ویرانی می‌آورد. اکنون ظرفیت‌ها ول هستند و باعث ویرانی شده است.

علیه فوتبال

شاهدیم که محبوبیت فوتبال روز به روز کمتر می‌شود. امروز درجه اعتماد جامعه نسبت به فوتبال و آدم‌های فوتبالی و هر کسی که در خانواده فوتبال است، به شدت پایین آمده است. تا الان که افشاگری‌ها به حل مشکل فساد فوتبال هیچ کمکی نکرده و انگار حل هم نمی‌شود. فضا دائم بدتر می‌شود. رسانه‌ها مدتی درباره خرافات می‌گویند اما خرافات اشاعه پیدا کرده است. اصل خرافات است که باید ریشه‌یابی شود. این موضوع ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. اما کسانی که در فوتبال صاحب مقام شدند را به خرافات نسبت می‌دهند که خودش باعث اشاعه خرافات می‌شود. به زبان بی‌زبانی به همه می‌گویند اگر می‌خواهید قهرمان شوید بروید سراغ این کارها.

ورود زنان به ورزشگاه

«فدراسیون برای ورود زنان با موانعی روبه‌روست. واقعیت این است که در این کشور، زمانی یک‌سری مقررات افراطی حاکم شد. بعدها فهمیدند درست نیست و به نفع جامعه نیست اما نمی‌توانستند آنها را بر دارند. چه عیبی دارد که خانواده‌ها به ورزشگاه بروند. ما به ورزشگاه می‌رفتیم و مشکلی نبود. خیلی‌ها خانوادگی می‌آمدند. اگر این تقسیم‌بندی نبود فضای استادبوم‌ها بهتر می‌شد. حتی امروز که می‌گویند فضا خراب است اگر ورود خانوادگی آزاد باشد شرایط خیلی بهتر خواهد شد. فوتبال زنان ایران یک ظرفیت بی‌ظنیر است. در زمینه بانوان، یک فضای بسیار بکر وجود دارد. اگر برنامه‌ریزی درست باشد، شاید در نهایت تا سه سال آینده در تمام بخش‌ها سرآمد باشید. علاقه‌مندی، ظرفیت و استعداد بسیار زیاد هست. بازی‌های تیم فوتسال زنان را در قهرمانی آسیا دیدم. خیلی راحت می‌توانستیم قهرمان شویم. تازه این تیم موانع و مشکلاتی داشته و پشتوانه‌سازی هم نشده است. اگر این اقدامات انجام شود، در آسیا بی‌رقیب خواهیم بود. همین زنان فوتسال با وجود تمام این کمبودها، سهمیه جام جهانی گرفته‌اند. کمبودهایی هست که من از نزدیک لمس می‌کردم.

تراکتور ۱۲ سال پیش



مجید جلالی در سال ۹۲ هدایت یکی از پرستاره‌ترین تراکتورهای لیگ برتر را به عهده داشت. اما تراکتور برای رسیدن به قهرمانی باید ۱۲ سال دیگر صبر می‌کرد و امسال عاقبت به این مهم رسید. جلالی در این رابطه می‌گوید: «همان سال در تراکتور برنامه‌ریزی داشتیم. برنامه دو یا سه ساله داشتیم که قهرمان لیگ‌برتر شویم. همان سال اول هفته شانزدهم، هفدهم در صدر جدول بودیم و در جام حذفی تا نیمه‌نهایی آمدیم. اما یک اتفاقاتی افتاد و مسائلی پیش آمد که کاملاً از دست من خارج بود. سال‌های بعد هم تراکتور به دلیل همان عوامل بالا می‌آمد و اما قهرمان نمی‌شد. یک‌سری موارد هست که اگر آن را باز کنید کمکی به فوتبال شده و بیشتر فضا متشنج می‌شود.

هواداران با پرچم عجیب در جشن تراکتور

زمانی که در تراکتور بودم هم این مسائل وجود داشت. طیف‌های متفاوتی آنجا هستند. اکثرشان عاشق تیم هستند. با تحولات تیم حال‌شان خوب یا بد می‌شود. ولی یک طیف کوچکی هستند اهداف خودشان را دنبال می‌کنند. البته در هر استادبومی در سراسر جهان یک‌سری یک اهداف غیرفوتبالی دارند. مهم این است که فضای اجتماعی یا رسانه‌ای ما طوری است که متأسفانه نفرت‌پرانی مخاطب دارد. فوتبال که همیشه نفرت و بلشتی و پلیدی نیست. خیلی جنبه‌های مثبت هم دارد که متأسفانه مخاطب ندارد اما جنبه‌های منفی و نفرت‌پرانی کنی تا دل‌تانی بخواهد مخاطب دارد. یک عده‌ای متأسفانه از نفرت تغذیه می‌کنند. شاید خودشان ندانند اما دارند به پایه‌های اجتماع لطمه می‌زنند. در فضایی که دیده شدن اصل است این موضوع می‌تواند خطرناک باشد.

فوتبال پایه

در این کشور انبوهی از بچه‌ها با استعداد داریم. از بین این انبوه استعداد، به صورت اتفاقی، هر ۱۰ سال سه چهار نفر بازیکن خوب و ستاره درمی‌آیند. اگر برای این انبوه استعداد متد پیشرفته داشته باشیم و برنامه‌ریزی اصولی کنیم، سالی ده‌ها نفر مثل طارمی و آزمون خواهیم داشت. امروز اما متأسفانه فوتبال در مسیر پیشرفت نیست. البته آوردن فوتبال به این مسیر کار سختی نیست. یک گروه متعهد نسبت به پیشرفت و از خود گذشته که کت را در بیاورند و بروند وسط را می‌خواهد. در شروع باید با خیلی‌ها در بیفتید.

شاید یک سال اول سخت باشد اما اگر در مسیر پیشرفت بیفتید می‌فهمید فوتبال ایران کجاست؟ در حال حاضر هر بخش فوتبال از طریق روش‌های اداری و اجرایی پیش می‌رود و اصول فنی دخالتی ندارد. ببینید چقدر نیروی انسانی در فوتبال ایران فعال هستند.

ما مسابقات کارگری، نیروهای مسلح، شهرداری، لیگ‌ها و حرفه‌ای آماتور و... را داریم اما وقتی می‌روید نزدیک می‌بینید امکانات هست، بودجه هم صرف می‌شود اما هیچ هویت و خروجی فنی ندارد. باید تمام اینها در یک مدار قرار بگیرند. اول باید خود فدراسیون قبول داشته باشد آن وقت ظرف سه سال می‌توانید به یک قدرت تبدیل شوید. در دنیای امروز، فوتبال بالاترین درجه قدرت نرم را دارد.

همکاری با فدراسیون

آن‌طوری که الان با فدراسیون کار می‌کردم اگر بروم خانه بنشینم خیلی بهتر است. خیلی اذیت می‌شدم و به‌شدت آزار می‌دیدم. احساس بدی بود که مشکلات را می‌دیدم و هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم. می‌توانستم بگویم چکار داری؟ یا بست و حقوقت را بگیر اما خب من چنین آدمی نیستم.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : شرکت هفت صبح ماندگار
سر دبیر: افشین امیر شاهی
مدیر هنری : وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللیی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
۱۹:۲۸: اذان مغرب: ۱۹:۰۷: غروب آفتاب: ۱۲:۰۰: ظهر: ۰۴:۵۴ | طلوع آفتاب: ۰۲:۱۲ | اذان صبح: ۰۲:۱۲

یادداشت

تو آینه آسانسور،

یکی غریبوار نگاهم می کرد

بابک نبی
هفت صبح

تو آینه آسانسور خودم را نشناختم. دست را بالا بردم تا دکمه طبقه همکف را بزنم اما چشمم ماند روی تصویری که انگار تازه رسیده بود؛ یک نفر، درست شبیه من اما با روحی خاموش تر. یک قاب عکس که انگار سال هاست از دیوار افتاده و هیچ کس سر جایش نگذاشته. ریش چندروزه، پیراهنی که «امروز هم بگذارم» را فریاد می زد و نگاهی که خسته تر از آن بود که شکایتی بکند. نه دلخور، نه عصبانی، فقط... دور. دور از من.

آسانسورها، برخلاف پله ها، وقت نمی خواهند. بالا می روی، پایین می آیی، بی زحمت اما بعضی وقت ها، در همین بی زحمتی، سقوط می کنی. آدمی مگر چند بار در عمرش خودش را نگاه می کند؟ نه برای اصلاح ریش، نه برای مرتب کردن روسری، برای شناختن. برای یادآوری. برای اشتی.

همان جا، میان طبقه سوم و دوم، زندگی برای چند ثانیه مکث کرد. مثل پرانتری وسط یک متن بلند که هیچ کس یادش نمی آید کی بازش کرده. حس کردم وزن سال ها و روزها، بی صداری شانه هایم نشستیم. من کی آن آدمی شدم که دیگر کتاب نیمه کاره اش را هم نمی پرسد چه شد؟ کی آن آهنکی را که دیروز دوست داشتم، امروز رد می کنم؟ کی از «دوست دارم» رسیدیم به «مواظب خودت باش» و بعد به سکوت های فشرده در پیام های کوتاه؟

ما در تکرار، فرو می رویم. بی آنکه صدای غرق شدن مان را کسی بشنود. چون این غرق شدن، پر از فریاد نیست، پر از آرامش مصنوعی ست. پسر از لیبندهای بی معنا. پسر از جواب های آماده: «خوبم، فقط کمی خسته ام.» اما حقیقت این است: خسته نیستیم، گیم شده ایم. ته که کوچهای از روزمرگی که اسمش را گذاشته ایم «زندگی»، شاید باید گاهی توی آینه آسانسور، وسط روز، در دل عجله ها، بی دعوت روبه رو شویم با خودمان: نه با آنکه سر کار می رود. نه با آن که قبضی ها را می پردازد. با آن بچه خجالتی، آن جوانک عاشق، آن دختری که با باد، خواب می دید. شاید باید لحظه ای دست خودمان را بگیریم، همان جا، بدون قضاوت، بدون عجله برای فرار. گاهی باید به چشم های خودمان نگاه کنیم و بپرسیم: «حالت خوب است؟ واقعا خوب؟» شاید آن موقع، دستان کمی گرم تر شود.

آسانسور به همکف رسید. در باز شد. قهوه سرد بود، ولی دستم گرم تر شده بود. شاید چون لحظه ای کسی را که سال ها ندیده بودم، چشم در چشم نگاه کردم. و قرار شد، عصر، با او کمی حرف بزنم. توی پارک یا روی نیمکتی کنار خیابان ولیعصر، هر جا که هنوز، کسی به کسی سلام می کند. شاید همین مکث های کوتاه، شروعی باشد برای بازگشت به خود.

از گوشه و کنار دنیا

چراغ دل برنده بوکر شد

ترجمه انگلیسی اثری از بانو مشتاق نویسنده هندی، جایزه بوکر بین المللی ۲۰۲۵ را از آن خود کرد. مجموعه داستان «چراغ دل» نوشته بانو مشتاق با برگردانی از دیپا بهاستی، موفق به دریافت جایزه ۵۰ هزار یوندی بوکر بین المللی شد؛ جایزهای که نیمی از آن به نویسنده و نیمی دیگر به مترجم تعلق می گیرد. این نخستین بار است که یک مجموعه داستان کوتاه برنده این جایزه معتبر می شود.

این اثر که دربردارنده ۱۲ داستان درباره زندگی زنان در جنوب هند است، از میان آثار مختلف مشتاق در طول سه دهه گزیده و ترجمه شده و به گفته مکس پورتر، رئیس هیئات داوران، «ترجمه ای رادیکال از داستان هایی درخشان، زنده و تازه» به شمار می آید. پورتر همچنین این کتاب را اثری توصیف کرد که هم از نظر ادبی و هم از نظر سیاسی بر جسته است؛ مجموعه ای فمینیستی که در دل ساختارهای پدرسالارانه، روایت هایی انسانی و پر جزئیات از زندگی روزمره زنان ارائه می دهد.

دیپا بهاستی، مترجم اثر، با این پیروزی به نخستین مترجم هندی تبدیل شد که بوکر بین المللی را برده است. او درباره سبک کاری خود گفته بود: «ترجمه با لهجه» رویکردی است که سعی می کند فضای فرهنگی داستان را حفظ کند، بی آن که برای خواننده خارجی نا آشنا یا مصنوعی به نظر برسد.

مراسم اهدای جایزه در موزه تیت مدرن لندن برگزار شد و داوران پس از ساعت ها بحث، در نهایت باجماع، «چراغ دل» را شایسته دریافت این جایزه دانستند. سال گذشته، رمان «کایروس» نوشته جنی ارین یک با ترجمه مایکل هوفمن این جایزه را از آن خود کرده بود. پیش تر نیز نویسندگانی چون اولگا توکارچوک و هان کانگ همراه با مترجمان شان موفق به کسب این افتخار شده بودند.



برداشت توت فرنگی در گلستان

شفیع آباد، روستایی از توابع بخش فندرسک شهرستان رامیان در استان گلستان، با دارا بودن بیشترین مزارع توت فرنگی در مساحتی حدود ۱۵۰ هکتار، سهم قابل توجهی از تولید این محصول را در استان به خود اختصاص می دهد.



وقتی نوبت به انتخاب شغل می رسد، اغلب نگاه ها به درآمد و پرتسبیز شغلی دوخته می شود اما اگر به شما بگویند این دو عامل، تاثیر چندانی بر رضایت شغلی ندارند، چه می گوید؟ پژوهش تازه ای نشان می دهد که آنچه ما را در کار راضی یا ناراضی می کند، اغلب در چیزهایی نهفته است که کمتر به چشم می آید: حس معنا، میزان استرس و سطح استقلال در کار.

در جهانی که اغلب ارزش شغل را با رقم فیش حقوقی یا عنوان شغلی می سنجند، یافته های این مطالعه تازه علمی همه چیز را زیر سؤال می برد. براساس تحقیقی جدید از دانشگاه تارتو در استونی، عوامل مختلفی در رضایت

دانشمندان رضایت بخش ترین و ناخوشایندترین مشاغل جهان را معرفی کردند

آنچه در فیش حقوقی نمی بینید اما خوشحال تان می کند

مشاغلی چون پزشکی، نویسندگی و روحانیت بیشترین رضایت برای فرد به همراه دارد

زینب کاظم خواه
هفت صبح

شغلی نقش دارند اما درآمد بالاتر و همچنین پرتسبیز شغلی ارتباط چندانی با آن ندارند.

این مطالعه بر این اساس، رضایت بخش ترین و ناامیدکننده ترین مشاغل جهان را آشکار کرده است. برای این مطالعه، محققان داده های بانک زیستی استونی را مطالعه و حدود ۵۹ هزار نفر و ۲۶۳ شغل را تجزیه و تحلیل کردند. آنها از شرکت کنندگانی که برای پروژه بانک زیستی خون اهدا کرده بودند، خواستند تا یک نظرسنجی را تکمیل کنند که سه در مورد جزئیات شغل، حقوق، شخصیت و رضایت آنها از جنبه های مختلف زندگی سوال می کرد. سپس دانشمندان دانشگاه تارتو در استونی از این جزئیات برای شناسایی مشاغلی که به نظر می رسد بیشترین و کمترین رضایت را به همراه دارند، استفاده کردند.

مشاغل رضایت بخش: از روحانیت تا نویسندگی

محققان دریافتند مشاغلی که به نظر می رسد بیشترین رضایت را به همراه دارند شامل روحانیت، حرفه های مختلف پزشکی و نویسندگی است. ویژگی مشترک این حرفه ها؟ ارتباط انسانی، حس خدمت و امکان دیدن نتایج ملموس کار. به نقل از نیوساینتیست محققان گفتند، مشاغلی که به نظر می رسد کمترین رضایت را برای افراد ایجاد می کنند، شامل کار در آشپزخانه، حمل و نقل، انبارداری و تولید و مصاحبه کننده نظرسنجی یا کارمند فروش بودن است. از نظر رضایت کلی، شغل هایی مانند پزشکی، روانشناسی، معلم کودکان استثنایی، ورق کاری یا مهندسی کشتی امتیاز بالایی داشتند. در سوی دیگر طیف، مشاغل

رویداد تاریخی

در طلیعه ماه «خرداد»؛

از آزادسازی خرمشهر

تا آغاز عصر اصلاحات

حادثه ها و

خاطرها

حمیدرضا محمدی
روزنامه نگار

که شهیدان که اند ا یسن همه خونین کفنان حافظ شیرازی

خرداد ماه حادثه هاست و خاطره ها.

مهم ترین اش برای نسل ما، آغاز عصر اصلاحات است. دورانی که توسعه سیاسی و سپس تر، فرهنگی ورق و رقم خورد و باد خنک بهار مطبوعات وزیدن گرفت. آمدن آن مرد با عیای شکلاتی یادمان انداخت اهمیت جامعه مدنی و مردم سالاری و نواندیشی دینی را. که وقتی اراده مردم در

کار باشد، ارباب و اصحاب زر و زور و تزویر جایی برای عرض اندام نخواهند داشت که بیست میلیون رأی یعنی نظر و نگاه قاطبه اهالی این سرزمین. اما فراموش نباید کرد اگر مجاهدت و مرافدت جوان ترین جوانان وطن، آن همه سرو روان و رعنا، در آغاز راه، پر از امید، پر از آرزو و پسر از فکر فسردا، آزاد و آزاده، در آن هشت سال دفاع مقدس و بهویژه آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ نبود، شاید هیچگاه دوم خرداد ۱۳۷۶ به

وقوع نمی پیوست. آنان بودند که از اهل و عیال و مان و خان گذشتند و خون دادند تا حتی اندکی و ذره ای از خاک این خطه پر گوهر جدا نشود و خونین شهر و خوزستان را دوباره به میهن سنجاق کردند. همه ایرانیان مدیون و مرهسون آن مردان دلیر و رشید در خط مقدم و زنان بل دلاور در پشت صحنه اند که جز آبادی و آزادی این سامان به هیچ چیز ی نیندیشیدند و عهد خوش و خرم شباب را به پای دفاع ریختند و خود را فدا کردند در آن جنگ



نابرابر تحمیلی که به گفته حسین بن منصور حلاج: «گلگونه مردان، خون ایشان است». پس اگر دوران موسوم به اصطلاح طلایی در ۱۶ سال بعد را از یاقدم آنها بدانیم و بنامیم، به بیراهه نرفته ایم و سخنی به گزاف نگفته ایم و بالتجیه شایسته و بایسته است ارج و اجر نهادن جایگاه و پیگاه همه آن شهیدان این کهن بوم، فرزندان موطن مان که به قول آن مرد پر بردار آویخته شده؛ «در عشق دو رکعت است [که] وضوء آن درست نیاید الا به خون».



نزدیک ترین قمارخانه در حال کار و تکلیف معتاد قمار هم که معلوم است. قمارخانه روی باخت آدم ها بنا شده و نه بردشان و به شب تر سیده جناب نویسنده با جیب هایی که ششپش توش سه قاپ می انداخته می آمده خانه. لایذ همسر

مهربان هم حسابی از خجالتش در می آمده که او می رفته از ساده دل ترین دوستانش پول قرض می گرفت. این سریال تکرار می شد و در اخبار هست که همین دوستان سادهلوح بددل به دشمنان خوشی می می شدند و دنبال جناب نویسنده می افتادند و می آمدند در خانه را می شکستند که خرخره اش را بچوند. در این میانه که قمارخانه دار و رفقای سابق مشت شان را به در می فرسودند و از زمان تحویل اثر هم لایذ چند ساعتی مانده یا گذشته بودو ایشان داشت توی خانه بی امان می نوشت که رمان به آخر برسد. تمام که می شد در را باز می کرد و با دوستان و جناب

این آدم ففودور داستایفسکی بود.